اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

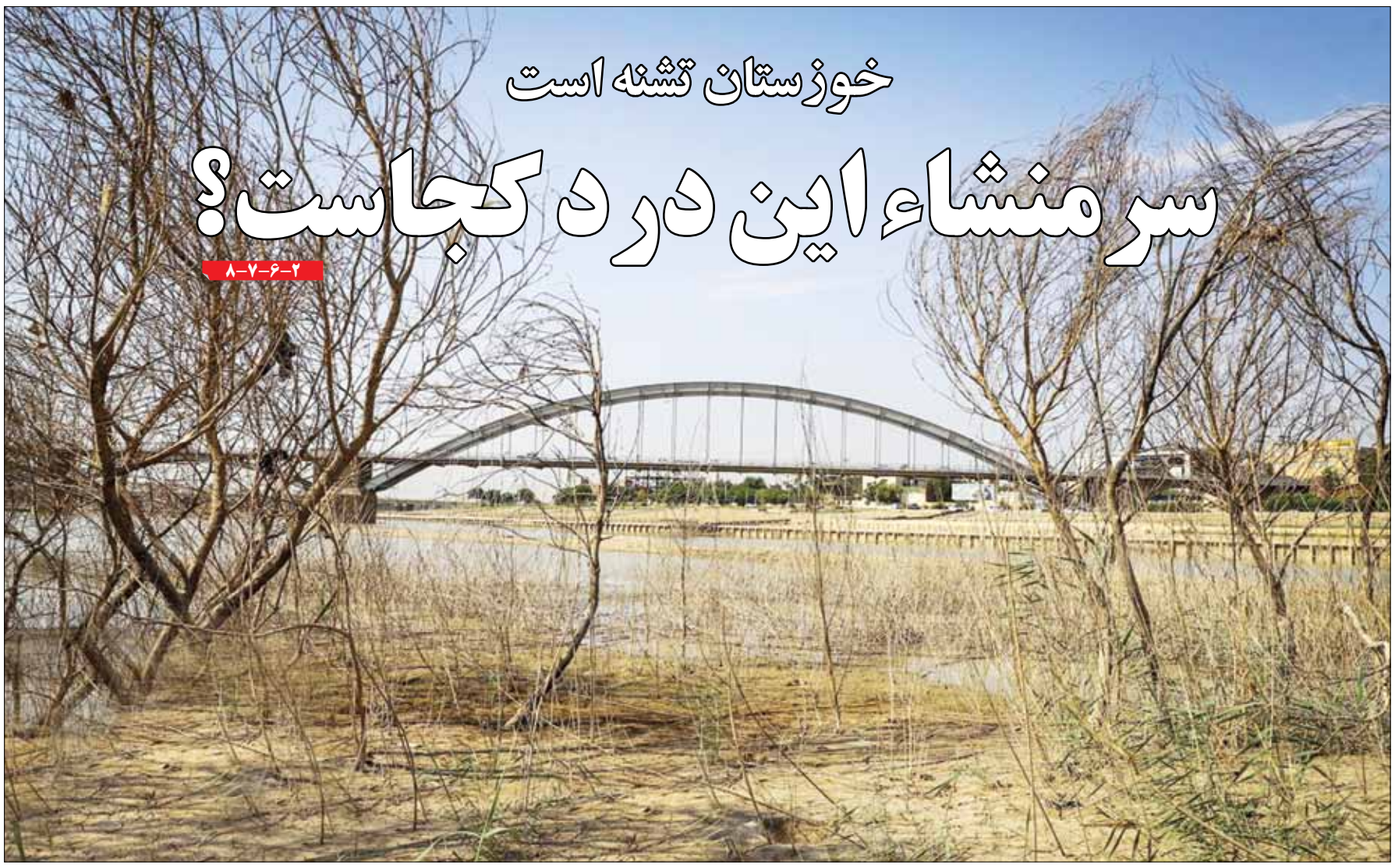
صمت
صنعت معدن تجارت

یکشنبه
• ۳ مرداد ۱۴۰۰
• ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۲
• ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۱

• سال سی‌ویکم دوره جدید شماره ۱۸۴۶ • پیاپی ۳۱۶۴ • ۸ صفحه • قیمت: ۲۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews





خوزستان تشنه است
سرمنشاء این درد کجاست؟

۲-۶-۷-۸

سرمقاله


از قضا
سرکنگبین صفرا فزود ۲

یادداشت‌های امروز


دردهای خوزستان
و مسائل ساختاری ملی ۲


یک‌جای
کار می‌لنگد ۶


خوزستان امروز
قضاوت کند ۷


آتشِ آب
از تو شعله‌ور شد ۸

گفت‌و گو


خلأ آمایش سرزمین
عامل اصلی خشکسالی ۴

تحلیل روز

کشور در انتظار
توسعه متوازن ۳

گزارش روز

فولاد متهم اشتباهی
در جنجال‌های آبی ۵



"آگهی مناقصه خرید یک دستگاه کامیون آتش‌نشانی و امدادی به همراه تجهیزات مربوطه (شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان)"
"شماره مناقصه: ۰۴-۰۰۰۴-SP"

شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در نظر دارد نسبت به خرید یک دستگاه کامیون آتش‌نشانی و امدادی به همراه تجهیزات مربوطه از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید؛ لذا از تامین‌کنندگان معتبر که دارای توانایی مناسب و سوابق و تجارب مورد قبول می‌باشند، دعوت بعمل می‌آید حداکثر تا تاریخ ۱۶ مردادماه ۱۴۰۰ پاکات خود را به صندوق پستی ۷۸۱۸۵-۴۴۵ شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان ارسال نمایند.

شرکت‌های متقاضی می‌توانند شرایط، اسناد مناقصه و مشخصات اقلام موضوع را از طریق مراجعه به آدرس اینترنتی WWW.SJSCO.IR دریافت نمایند.

اسناد و مدارک:
۱. درخواست رسمی. (ذکر آدرس ایمیل، شماره تماس تلفن ثابت و همراه الزامی است.)
۲. اساسنامه و مدارک ثبتی. (شماره ثبت، کد اقتصادی و شناسه ملی، گواهی ثبت، گواهی آخرین تغییرات و...)
۳. گواهی نمایندگی از طرف تامین‌کنندگان معتبر. (در صورت موجود بودن)
۴. رزومه، سوابق فروش و نمونه قراردادها و توافقنامه‌های انجام شده با موضوع تامین اقلام موضوع.
۵. مدارک و مستندات توان مالی با اسناد و مدارک مثبته.

شرایط:
۱. تضمین شرکت در مناقصه؛ ضمانتنامه بانکی معتبر و بدون قید و شرط و به نفع کارفرما و دارای اعتبار حداقل سه ماهه به نام شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان به مبلغ پنج میلیارد ریال (۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال) می‌باشد.
۲. ارائه اسناد و مستندات مذکور هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نمی‌کند.
۳. شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.
۴. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۹۰۱۴۵۸۲۸۸ تماس حاصل نمایید. (پاسخگویی در ساعات اداری)
۵. هزینه چاپ آگهی، بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

واحد تدارکات و خرید شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان

"آگهی مناقصه عمومی دومرحله‌ای خرید ۳ عدد الکتروموتور با برند زیمنس Siemens"
"شماره مناقصه ۰۳-۰۰۴-SP"

شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در نظر دارد نسبت به خرید ۳عدد الکتروموتور برند زیمنس Siemens از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای اقدام نماید؛ لذا از تامین‌کنندگان معتبر که دارای توانایی مناسب و سوابق و تجارب مورد قبول می‌باشند، دعوت بعمل می‌آید حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۰، مدارک خود را طبق شرایط مندرج در نمونه قرارداد به صندوق پستی (۴۴۵-۷۸۱۸۵) مجتمع جهان فولاد سیرجان ارسال نمایند. بدیهی است بعد از تاریخ فوق مدارک ارسالی ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرکت‌های متقاضی، برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با مراجعه به سایت WWW.SJSCO.IR شرایط حضور در مناقصه و مشخصات اقلام درخواستی را دانلود و مطالعه نمایند.

شرایط و اسناد:
۱. تضمین شرکت در مناقصه؛ ضمانت‌نامه بانکی معتبر و بدون قید و شرط و به نفع کارفرما مبلغ ۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ نهصد میلیون ریال و دارای اعتبار حداقل سه ماهه و قابل تمدید به مدت سه ماه دیگر به نام شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان می‌باشد.
۲. ارائه اسناد و مستندات مذکور هیچگونه حقی برای متقاضیان ایجاد نمی‌کند.
۳. شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.
۴. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۳۳۷۹۹۷۸۷ تماس حاصل نمایید. (ساعات اداری)
۵. بعد از ارسال مدارک حتما بایستی اسکن برگه پستی به نشانی SJSCO.Dehnavi@GMAIL.COM ایمیل شود.
۶. تکمیل فرم خوداظهاری تامین‌کنندگان (دانلود فرم از سایت شرکت، قسمت خرید و فروش) و قرار دادن در پاکت (ب)
۷. هزینه چاپ آگهی، بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

واحد تدارکات و خرید شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان

سرمقاله

از قضا



سرکنگبین صفرا فزود

ناصر بزرگمهر / مدیر مسئول
management@smtnews.ir
به‌نام او که هر چه بخواهد همان می‌شود

دولت یازدهم و دوازدهم با عنوان تدبیر و امید با کلید و رنگ بنفش، آرزوهای بسیاری را در این ۸ سال بر باد داد و رفت اما باز هم در این چند روز آخر کوتاه نمی‌آید و تلاش می‌کند مشکلات ساخته خودش را خصوصا در ارز و گرانی و کمبود آب و برق به صورت نمایشی حل کند و کاری را که در این چند سال انجام نداده، در این چند روز انجام دهد که این هم از کرامات شیخ ما به‌شمار می‌رود. معاون اول به خوزستان عاصی سفر کرده و فرموده‌اند که آب موجود در پشت سدها متعلق به مردم خوزستان است و نمی‌گویند از آبی که به این استان و آن استان فرستادند، چه خبر؟ واقعا همه دولت‌ها با تصمیمات غیرکارشناسی به محیط‌زیست آسیب‌های جبران‌ناپذیر زده‌اند.

یاد قصه کنیزک و شاه حضرت مولانا افتادم که می‌گوید:

بشنوید ای دوستان این داستان/ خود حقیقت نقد حال ماست آن
بود شاهی در زمانی پیش ازین/ ملک دنیا بودش و هم ملک دین
اتفاقا شاه روزی شد سوار /با خواص خویش از بهر شکار
یک کنیزک دید شه بر شاه‌راه/ شد غلام آن کنیزک پادشاه
مرغ جانش در قفس چون می‌طپید/ داد مال و آن کنیزک را خرید

در همین ابتدای قصه، مولانا تکلیف را روشن کرده است. پادشاهی با یارانش به شکار می‌رود و براساس هوی و هوس از کنیزکی خوشش می‌آید و او را می‌خرد و از مزایایش برخوردار می‌شود و کنیزک از این موضوع بیمار می‌گردد.

آن یکی خر داشت و پالانش نبود/ یافت پالان گرگ خر را در ربود
کوزه بودش آب می‌نامد به‌دست/ آب را چون یافت خود کوزه شکست

شاه از قدرت و پول و ثروتش استفاده کرده و او را تصاحب کرده ولی حالا خود کوزه شکسته است.

شه طبیبان جمع کرد از چپ و راست/ گفت جان هر دو در دست شماست
هر که درمان کرد مر جان مرا/ برد گنج و در و مرجان مرا
جمله گفتندش که جانبازی کنیم/ فهم گرد آریم و انبازی کنیم
هر یکی از ما مسیح عالمیست/ هر الم را در کف ما مرهمیست

شاه که از بیماری کنیزک بسیار آشفته شده است و دین و دنیا را به او باخته، پزشکان را جمع می‌کند و می‌گوید، جان من و جان کنیزک، هر دو در دستان شماست و هر کسی او را درمان کند، هر چه بخواهد به او خواهم داد. پزشکان هم از باب ثروت و گنج اعلام می‌کنند که هر کدام از ما بهترین طبیب بوده و مانند مسیح هستیم و مرهم همه دردها در دستان ماست.

گر خدا خواهد نگفتند از بطر/ پس خدا بنمودشان عجز بشر

پزشکان مغرور فراموش کردند که بگویند اگر خدا بخواهد، پس خداوند به آنها عجز و ناتوانی بشر را نشان داد و هر چه علاج کردند، نتیجه‌ای نگرفتند و کنیزک هر روز لاغرتر و بیماری‌اش افزون‌تر شد.

هر چه کردند از علاج و از دوا/ گشت رنج افزون و حاجت ناروا
آن کنیزک از مرض چون موی شد/ چشم شه از اشک خون چون جوی شد

به‌دلیل بی‌توجهی به یاد خداوند عالم هستی، سرکنگبین که باعث از بین رفتن صفرا می‌شود، بر عکس عمل کرد و از روغن بادام، خشکی افزوده شد و هلیله که مسهل است باعث قبضی درون شد و آب که با آن آتش را خاموش می‌کنند مثل نفت عمل کرد.

از قضا سرکنگبین صفرا فزود/ روغن بادام خشکی می‌نمود
از هلیله قبض شد اطلاق رفت/ آب آتش را مدد شد همچو نفت

حالا سال‌ها و قرن‌ها از شعر مولانا و کنیزک گذشته است، مسئولانی که در رفت‌وآمد دولت‌ها به حرف هیچ کارشناسی توجه نکرده و حتی توصیه‌های رهبر معظم انقلاب را گوش نکرده‌اند، آب بزرگ‌ترین رودخانه کشور را که هزاران سال جاری و ساری بوده را از مسیر خود منحرف کرده و بزرگ‌ترین استان حاصلخیز کشور و مدافعان ۸ سال جنگ تحمیلی را در بدترین شرایط قرار داده‌اند.

رفتار دولتمردان هربار از قضا صفرا فزوده است، حالا ما از همین مسئولان که مسبب این وقایع هستند می‌خواهیم که مشکل را حل کنند!

بیست سال قبل شور شدن شبکه آب شهری مردم آبادان و اعتراض آنها که به خیابان ریختند، نخستین خون‌هایی بود که برای مشکلات محیط‌زیست در ایران به زمین ریخته شد. آب دریا وارد شبکه آب آشامیدنی شهری شد و چند روز آب شرب شهر قابل آشامیدن نبود؛ شهری که در محاصره دو رودخانه آب شیرین قرار دارد.

توزیع آب در خوزستان همیشه با مشکل روبه‌رو است، وقتی باران می‌بارد در آبادان و اهواز، آب شرب با فاضلاب قاطی می‌شود.

در این استان رودخانه‌های کرخه، کارون، دز، جراحی و مارون جریان دارند. کارون یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های ایران است که در این منطقه واقع شده و روزگاری قابل کشتیرانی بود، اما...

ماجرای سدسازی‌های بی‌رویه از دوران سازندگی بارها به‌عنوان خطرساز بودن شرایط مناطق پایین‌دست اعلام شد اما وزارت نیرو احتمال رخداد بحران زیست‌محیطی ناشی از سدسازی را انکار می‌کرد و می‌کند و دکترای عمران همه را توطئه می‌دید و با افتخار سد گتوند را افتتاح کرد و با یک اشتباه مهندسی در جانمایی، سدی را که می‌توانست باعث آبادانی بیشتر خوزستان شود را با یک بحران زیست‌محیطی گسترده روبه‌رو کرد و کوه نمکی داخل دریاچه باعث شد زمین‌های کشاورزی مسیر رودخانه تبدیل به شوره‌زار شوند و از رهاورد آن، بیش از یک میلیون درخت نخل در این منطقه خشک شد.

دولت آینده باید به‌سرعت درباره سدسازی و سدهای موجود تجدیدنظر کند.

البته موارد دیگر از کشاورزی غلط، کشت هندوانه و گندم برای خودکفایی، تخلیه ذخایر چندمیلیون ساله آب از اعماق زمین، آزادکردن چاه زدن در سفرهای استانی گرفته تا تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و شیوه مدیریت ملوک‌الطوایفی در توزیع آب و فرمایش آب مال خداست و هر کس، هرقدر و هر جور که نیاز دارد، برداشت کند و بی‌تفاوتی دولت بی‌تدبیر درباره از بین رفتن تتمه آب کارون و کرخه، کار را به آنجایی رساند که مردمی را که قرن‌ها بر لب آب نشسته‌اند و در حاصلخیزترین جلگه ایران زندگی می‌کنند و دارای موقعیت جغرافیایی استثنایی و ثروت اصلی مملکت یعنی نفت و گاز هستند را به چنین شرایطی رسانده که رهبر معظم انقلاب هم در سخنانشان به مشکلات مردم خوزستان اشاره کرده و گفتند: در روزهای اخیر یکی از نگرانی‌های واقعا دردآور، مسئله آب خوزستان و مشکلات مردم بود.

ایشان به رعایت نشدن توصیه‌های متعدد قبلی درباره آب خوزستان و فاضلاب اهواز اشاره کردند و گفتند اگر آن توصیه‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت مسلما این وضعیت ایجاد نمی‌شد که مردم وفادار خوزستان را با وجود این همه امکانات و استعدادهای طبیعی و کارخانجات در استان، ناراضی و ناراحت کند. مردم ناراحتی خود را بروز دادند اما هیچ گلایه‌ای از آنها نمی‌توان داشت، چراکه مسئله آب آن‌هم در آن آب‌وهوای گرم خوزستان، مسئله کوچکی نیست، این مردم نباید دچار مشکلات باشند و اگر در وقت خود به کار مردم رسیدگی می‌شد، این وضعیت ایجاد نمی‌شد. دولت بعدی که بر سر کار خواهد آمد، کارها را به‌طور جدی دنبال کند.

مشکلات خوزستان طبق دستور رهبر معظم انقلاب حل‌وفصل شود

رئیس‌جمهوری با اشاره به بحران کم‌آبی در استان خوزستان، گفت: بخشی از مشکلات این استان کم شده و حل‌وفصل مسائل خوزستان طبق دستور رهبر معظم انقلاب باید ادامه پیدا کند. به گزارش ایسنا، حسن روحانی در هشتادوچهارمین برنامه افتتاح طرح‌های ملی وزارت نیرو پس از استماع گزارش وزیر نیرو از سفر به خوزستان، گفت: برای همه ما، مردم خوزستان و خود خوزستان دارای ابعاد و اهمیت ویژه‌ای است؛ خوزستان سرزمین زرخیز و استان مرزی و بسیار مهم ما است و مردم خوب این سرزمین همواره مدافع خوبی برای ایران اسلامی و مردم خود بوده‌اند. وی ادامه داد: این روزها مشکلاتی برای زندگی مردم استان خوزستان از لحاظ آب و شدت گرمای موجود را شاهدیم که این شدت گرما موجب کم شدن ورودی سدها شده و در مجموع مردم مشکلاتی پیدا کردند که بخشی از این مشکلات کم شده است. رئیس‌جمهوری اظهارکرد: با حضور آقای جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری، وزیر نیرو و سایر مسئولان امیدوارم بقیه مشکلات در روزهای آینده تخفیف یابد و مسائلی که نسبت به خوزستان باید حل‌وفصل شود، طبق دستوری که رهبر معظم انقلاب داده‌اند، ادامه پیدا کند. روحانی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به افتتاح تصفیه‌خانه آب در شهرستان‌های بابل، بابلسر و خلخال اظهارکرد: آب آشامیدنی بعد از اکسیژن و هوا برای ما بسیار مهم است چون به سلامت و زندگی مردم وابسته است. یکی از خدمات بسیار خوبی که وزارت نیرو از آغاز دنبال کرده این است که هر روز و هر هفته بخشی از کشور از آب سالم تصفیه شده استفاده می‌کنند که امیدوارم افتتاح همزمان این تصفیه‌خانه‌ها برای مردم مازندران، اردبیل، سیستان و بلوچستان و چهارمحال و بختیاری مبارک باشد.

برای مدیریت درست منابع آب

نخبگان و سران عشایر خوزستان به دولت کمک کنند

معاون اول رئیس‌جمهوری استان خوزستان را استانی مهم، استراتژیک و تعیین‌کننده توصیف و با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب که از این استان به‌عنوان قلب تپنده ایران یادکردند، گفت: چشم ایران به خوزستان است و هیچ مسئولی در سطح ملی نمی‌تواند نسبت به مسائل این استان بی‌تفاوت باشد. به گزارش ایسنا، اسحاق جهانگیری در نشست رسیدگی به مشکلات استان خوزستان که با حضور سران عشایر و نخبگان عرب و بختیاری در استانداری خوزستان برگزار شد با تاکید بر حق انتقاد مردم، خطاب به جوانان این استان گفت: ایران کشور شماست و شما جوانان صاحب این کشور هستید. بزرگان خوزستان به‌عنوان صاحب‌نظران و یاوران بزرگ دولت اجازه ندهند که دشمنان از مسائل و مطالبه‌های بحق شما سوءاستفاده کنند.

جهانگیری با اشاره به سفرهای خود در دوران تصدی معاون اول رئیس‌جمهوری به استان خوزستان، گفت: فاصله سفر قبلی تا این سفر به‌دلیل جایگزین کردن استاندار جدید بیش از ۶ ماه نبوده و در بین ده سفری که به این استان داشته‌ام، ۳ سفر مهم و راهبردی بود. یکی از آنها در سال ۹۵ و در اوج بحران ریزگردها و قطعی برق و آب انجام شد.

در آن زمان هر انسانی شرایط خوزستان را از نزدیک می‌دید، متوجه می‌شد که در آن گرمای آن‌چنانی و قطعی برق و آب چه فشار و سختی‌هایی به مردم تحمیل شد و به چه معناست. وی گفت: در آن سفر ۲ شبانه‌روز در ماهشهر جلساتی برگزار کردیم که یکی از این جلسات تا نیمه‌های شب به طول کشید که به استاندار در پایان جلسه اعلام کردم از لحاظ جسمی قادر به ادامه جلسه نیستم اما همه متوجه شدند تصمیمات آن جلسه تا چه اندازه برای جنگلکاری و شناسایی کانون ریزگردها، حفر کانال‌ها و رساندن آب به تالاب‌ها اهمیت اساسی دارد.

جهانگیری با اشاره به مصوبه مهم اوایل سال ۹۶ برای حل مشکلات استان خوزستان، ادامه داد: از نخبگان استانی درخواست می‌کنم مصوبه سال ۹۶ را به‌عنوان مطالبه قانونی خود در نظر داشته باشند، چراکه در آن مصوبه تعهدات دولت نسبت به مردم این استان پیش‌بینی‌شده است. معاون اول رئیس‌جمهوری تاکید کرد: تمامی دولت‌ها در جمهوری اسلامی متعهد هستند که تعهدات دولت قبل را به‌عنوان تعهدات نظام اجرایی کنند. وی با بیان اینکه سفر دوم و مهم من به خوزستان در زمان سیلاب ۹۸ به این استان انجام شد، اظهارکرد: از زمان وقوع سیلاب، به استان‌های گلستان، مازندران و سپس به لرستان سفر کردم که در فرودگاه خرم‌آباد به‌دلیل باران شدید هواپیما زمین‌گیر شد اما با وسیله نقلیه به خوزستان سفر کردم و از سد کرخه و دز بازدید و تا اهواز زمینی سفرکرده و با مردم در نزدیک گفت‌وگو کردم.

معاون اول رئیس‌جمهوری با بیان اینکه در سال ۹۸ دغدغه دولت این بود که آب در سد کرخه نگهداری شود و در پایین‌دست رهاسازی نشود، ادامه داد: می‌دانستیم که خوزستان تحمل این حجم از آب را ندارد و وزیر نیرو در آن سفر اعلام کرد که سیل در بالادست با سرعت ۷ هزار مترمکعب در ثانیه به سمت کرخه در حال حرکت است.

وی ادامه داد: باید لحظه‌ای را تصور کرد که اگر سدها نبود و قرار بود سیل حتی با سرعت ۵ هزار مترمکعب در ثانیه به مناطق مسکونی برسد چه آسیب و خساراتی متوجه این استان می‌شد که البته تصمیم گرفته شد با سرعت ۲ هزار مترمکعب در ثانیه آب کرخه رهاسازی شود که همه کارشناسان اعلام می‌کردند این استان تحمل بیش از این حجم را ندارد و تمام مزارع و خانه‌ها زیر آب خواهد رفت. جهانگیری همچنین به نامه وزیر کشور خطاب به هیات دولت درباره حل مشکلات خشکسالی و کم‌آبی استان خوزستان اشاره و تصریح کرد: بلافاصله پس از آن دولت مصوبه‌ای در جلسه هیات دولت آماده کرد و به تصویب رساند. جهانگیری با اشاره به اینکه ما می‌دانیم مردم از چه مسائلی رنج می‌برند، گفت: باید هوشیار باشیم تا در خوزستان و سیستان اتفاقی نیفتد که امریکایی‌ها جشن بگیرند.

وی همچنین در ادامه به مشکل کم‌آبی و ذخیره‌سازی آب‌های پشت سدهای این استان اشاره و تصریح کرد: دغدغه مسئولان استان و مرکز این بود که آنچه امروز در سد کارون، کرخه، دز و مارون ذخیره‌سازی شده برای پاییز امسال که خشکسالی ادامه دارد و بارندگی اندک است در آن زمان رها شود. باید بزرگان و نخبگان استان در نظر داشته باشند تا در پاییز خسارتی به کشاورزی این استان وارد نشود وگرنه این آب پشت سد متعلق به مردم خوزستان است.

معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب تاکید کرد: کسی نمی‌تواند دستورات رهبر معظم انقلاب را اجرایی نکند، چراکه دستور ایشان برای همه در حکم قانون است، افزود: در سال ۷۵ رهبر معظم



انقلاب دستور دادند تا در تقسیم اراضی دشت خوزستان به زمین‌های زراعی تسریع به‌عمل آید و کانال‌کشی‌های آب اجرایی شود که این دستور رهبر معظم انقلاب مربوط به اواخر دولت مرحوم آیت‌الله رفسنجانی بود که تا سال ۹۲ فقط ۷۵ هزار هکتار از این اراضی عملیاتی شد اما در اویل دولت و نخستین سفر استانی رئیس‌جمهوری به خوزستان و اختصاص ۱.۵ میلیارد دلار تاکنون ۳۰۰ هزار هکتار زمین از طرح و دستور رهبر معظم انقلاب تمام‌شده که برای ۲۵۰ هزار هکتار زمین باقیمانده کار مطالعاتی فاز اول و دوم نهایی شده و بودجه آن در سال ۱۴۰۰ اختصاص‌یافته است.

وی ادامه داد: این دستور رهبر معظم انقلاب بود و باید تلاش‌های دولت تدبیر و امید در این زمینه نسبت به دولت‌های قبلی ارزیابی شود و باید انصاف را در زمان قضاوت در نظر بگیریم. مطمئنم بنایی در این دولت گذاشته شد که دولت‌های بعدی نیز آن را تکمیل می‌کنند.

جهانگیری همچنین با اشاره به دغدغه یکی از نخبگان بختیاری مبنی بر اینکه زمین‌های بالایی طرح ۵۵۰ هزار هکتاری دشت خوزستان کمتر عملیاتی شده، ادامه داد: برادران در سپاه پاسداران به من اعلام کردند که مین‌های زیادی از جنگ ایران و عراق در این زمین‌های زراعی وجود دارد که در حال مین‌روبی است.

معاون اول رئیس‌جمهوری ادامه داد: با اقدامات این دولت برداشت از کشت برخی از کشاورزان ۴ برابر شده است و دولت همواره به‌دنبال این بود کشاورزی استان خوزستان اقتصادی باشد و با دستور معاون اول، وزیر و دولت امکان ندارد که مردم طبق نظر آنها زمین‌های خود را زیر کشت ببرند، چراکه کشاورزان به‌دنبال این هستند که محصولی کشت کنند که درآمد بیشتری داشته باشند که این امری عقلانی است.

وی تاکید کرد: اگر مسئولان دولت و استان درباره کشت نوع خاصی از محصول مطالبی ارائه می‌کنند بر این مبنا بوده که به‌دلیل کم‌آبی محصولی با نیاز به آب کمتر کاشته شود و باید در نظر داشت که ۸۰ هزار شلتوک برای چه جمعیتی از خوزستان در نظر گرفته می‌شود و نباید مابقی استان نادیده گرفته شوند اما به‌خوبی می‌دانیم که با دستور هیچ مدیری نمی‌توان جلوی کشت مردم را گرفت.

جهانگیری ادامه داد: از وزرای نیرو و کشاورزی خواستم تا دغدغه کشاورزانی خرده‌پا که فقط چند هکتار زمین دارند، برطرف شود. معاون اول رئیس‌جمهوری تاکید کرد: از شما سران عشایر و نخبگان خوزستان درخواست می‌کنم مسئله آب موردنیاز این استان در مهرماه و آبان توجه ویژه داشته باشید و در آن زمان نگویید که چرا فصل کشت است اما آب نداریم و نخبگان در این زمینه به دولت کمک کنند تا آنچه مصلحت است، اتفاق بیفتد.

جهانگیری با اشاره به اینکه قبل از پیروزی انقلاب طبق مطالعات تصمیم گرفته‌شده بود که یک شرکت اروپایی برای جلوگیری از بالا آمدن آب دریا به بهمن‌شیر و کارون و آسیب زدن به نخیلات آبادان و خرمشهر اقدام به سدسازی کند، ادامه داد: چه کسی جز دولت تدبیر و امید سد مارون و شبیره را اجرایی کرد. در این دولت ۴۰۰ میلیون تومان اختصاص داده شد تا این سدها تکمیل شوند.

معاون اول رئیس‌جمهوری با تاکید بر اینکه در سفر به ماهشهر اعلام کردم که این شهر مهم‌ترین کانون سرمایه‌گذاری صنعتی کشور است، ادامه داد: اما در سال ۹۸ مشکلاتی داشتیم و به این نتیجه رسیدم که آنچه مردم را رنج می‌دهد، تبعیض است که در مسیر توسعه عده‌ای منتفع می‌شوند و برخی مانده‌اند که باید همه کمک کنیم تا مشکلات کشور حل شود.

وی درباره طرح‌های انتقال آب از بالادست استان خوزستان به سایر نقاط کشور، ادامه داد: این دغدغه رئیس‌جمهوری و دولت از سال ۹۲ بود و امروز که ۱۱ روز به پایان کار دولت مانده، دولت یک‌قدم خلاف آن سیاست حرکت نکرد و هیچ انتقال آبی انجام نشد.

جهانگیری تصریح کرد: طبق سیاست و مصوبه شورای‌عالی آب، انتقال آب بین حوزه‌های آبی فقط برای شرب انجام شده و دولت تدبیر و امید به سمتی حرکت کرد که انتقال آب از دریای عمان و خلیج‌فارس به کرمان، یزد و به‌زودی به اصفهان انجام شود.

در این جلسه پیش از سخنان دکتر جهانگیری، استاندار خوزستان با اشاره به اینکه بخش بزرگی از مطالبات کشاورزان از سیل ۹۸ پرداخت شده، ادامه داد: طبق دستور معاون اول ۵۰ درصد مابقی نیز به حساب استانداری واریز شده و با پرداخت آن تمامی مشکلات کشاورزان استان حل می‌شود.

وی تدوین سند حل مشکلات چهارگانه فاضلاب، روان‌آب‌ها، آب‌های سطحی و سیلاب این استان را اقدام مهمی دانست که می‌تواند بخش بزرگی از مشکلات استان را برطرف کند.

تعهدات ۱۵ ساله تامین آب شرب خوزستان اجرایی شود

نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی، با تاکید بر ضرورت دنبال کردن راه‌های کارشناسی برای حل مشکل تامین آب استان خوزستان، گفت: با سیاست‌های غلط حوزه آبی، امنیت غذایی کشور را در حوزه نهاده‌های دامی، گندم، ذرت و دانه‌های روغنی به‌خطر می‌اندازیم.

مجتبی یوسفی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره اقداماتی که باید در کوتاه‌مدت برای حل مشکل آب استان خوزستان صورت گیرد، بیان کرد: پروژه‌هایی که بنا بود با تکمیل‌شان جلوی سیلاب‌ها گرفته شود، باید هرچه سریع‌تر اجرایی شود.



ما شاهد بودیم در سال ۹۸ سیل زندگی مردم را دچار مخاطره کرد و به زیرساخت‌های استان آسیب رساند. اجرای این پروژه‌ها یک اقدام حداقلی است که باید در اسرع وقت صورت گیرد. وی در ادامه اظهار کرد: اکنون ما در شمال و جنوب استان خوزستان با مشکل تامین آب مواجهیم.

در شهر دهدز در شمال خوزستان که ۵ دقیقه با بزرگ‌ترین سد کشور فاصله دارد، مردم آب شرب ندارند. اکنون مناطق هورالعظیم، حمیدیه و شادگان نیز با مشکل تامین آب مواجهند. نماینده مردم اهواز در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: نخستین گام این است که تعهدات ۱۵ساله‌ای که داده شده را برای تامین آب شرب مردم اجرایی کنند.

از سوی دیگر پروژه رهبر معظم انقلاب که برای چندین سال گذشته است، باید اجرایی شود. این طرح ۵۵۰ هزار هکتاری هم در ساماندهی مصرف آب در استان و هم در تامین امنیت غذایی کشور نقش موثری دارد. وی در ادامه تاکید کرد: استان خوزستان با تولید ۱۷میلیون تن محصولات باغی و زراعی و۳ میلیون تن گندم رتبه یک زراعت کشور را دارد. ما با سیاست‌های غلط حوزه آبی، امنیت غذایی کشور را در حوزه نهاده‌های دامی، گندم و ذرت و دانه‌های روغنی به‌خطر می‌اندازیم. یوسفی در پایان افزود: باید در کوتاه‌مدت غرامت و خسارت کشاورزان و دامداران پرداخت شود. دادن وعده‌های توخالی مشکلی از مردم حل نمی‌کند، بلکه باید اقدامات کارشناسی برای حل مشکل تامین آب مردم دنبال شود.

خوزستان تنها مانده

رحیم قمشی- آزاده جنگ تحمیلی: به دکتر مهدی قمشی برادرم در اهواز زنگ می‌زنم. او رئیس دانشکده آب و محیط‌زیست دانشگاه شهید چمران است. تند صحبت می‌کنم، نگران وقتش هستم. می‌گویم می‌دانم این روزها که بحران آب پدید آمده، وقتت بسیار کم است. می‌خندد و می‌گوید نه خیلی هم وقت دارم، فکر کرده‌ای اینجا کسی کاری به علم و دانشگاه دارد! متاسف می‌شوم؛ خیلی خیلی متاسف، برای ایرانم. او اگر متخصص آبی بود در استرالیا، در امریکا، در دوردست، الان باید برایش بلیت اورژانسی می‌گرفتند و دعوتش می‌کردند خیلی زود بیاید خوزستان، ببیند با همه خرابکاری‌های سال‌های طولانی گذشته، امروز چه باید کرد، اما امروز کسی نظر او را نمی‌خواهد! یادم هست ۲ سال پیش هم برای سیل‌های خانمان‌برانداز خوزستان که به او زنگ زده و پرسیده بودم یعنی چاره‌ای نیست و باید بنشینیم و ببینیم خوزستان به آرامی غرق می‌شود!؟ هم می‌گفت وقتی تصمیم‌ها عاقلانه گرفته نمی‌شود، وقتی نظرات دانشگاهیان و تحصیلکرده‌ها و پژوهشگران برای تصمیم‌گیران اهمیتی ندارد، چه انتظاری می‌شود داشت... می‌گویم یعنی می‌شد این روزهای کم‌آبی را در این سال خشک خوزستان نداشته باشیم؟ می‌گوید: البته! و اضافه می‌کند اگر وقتی که به تصور ورود خیالی‌شان به دوره ترسالی، آب‌های پشت سدهای کرخه و دز را تخلیه می‌کردند، توصیه‌های علمی را گوش کرده بودند و این کار اشتباه را نمی‌کردند؛ اگر مقامات وزارت نیرو سرشاخه‌های کارون را غیرکارشناسانه منحرف نمی‌کردند؛ اگر حقایق را با روستاییان مطرح می‌کردند؛ اگر آنها اعتماد داشتند و کشت محصولات پرآب را متوقف می‌کردند؛ اگر مردم مشکل معیشت نداشتند و می‌توانستند کشت تابستانه را محدود کنند؛ اگر مدیریت وجود داشت... می‌گویم یعنی قبلا



فکر می‌کردی این تنش‌های اجتماعی به‌دلیل آب در منطقه به‌وجود بیاید؟ می‌گوید: صد درصد قابل پیش‌بینی بود! حالا هور خشکیده، رودخانه‌ها به گل نشسته، آب پشت سد در حداقل میزان ممکن است، زمین‌های کشاورزی خشک مانده، دام‌ها تشنه‌اند و مردم هم آب‌شان به‌زودی تمام می‌شود... می‌گویم پس واقعا یک بحران است! می‌گوید دقیقا بحران؛ بحرانی که می‌شد پیش‌بینی‌اش کرد، می‌شد از آن پیشگیری کرد، می‌شد مدیریتش کرد؛ اما نکردند... من برای خوزستانم غمگینم؛ خوزستانی که صدای فریادش به‌گوش می‌رسد. خوزستان بمان. روزی تو «علمی» اداره خواهی شد. روزی درصد مهمی از منابعت، حق خودت خواهد شد. روزی باز فرزندانت خواهند خندید؛ نه روزهای خیلی دور... من قول می‌دهم؛ به خون همان بچه‌های پاکباخته، قسم می‌خورم...

برگی از تاریخ

می‌گفتیم خیانت است!

ژاله حساسخواه از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب در صفحه اینستاگرام خود به نقل از محسن صفایی‌فراهانی نوشت: صفایی‌فراهانی در مصاحبه با آ. دهباشی می‌گفت قبل از انقلاب معترض بودیم چرا در خوزستان در طرح‌های بزرگ کشاورزی مثلا مارچوبه می‌کارند که در سبد غذایی ایرانی‌ها جایی ندارد و صادر می‌شود و چرا نمی‌گذارید گندم بکارند تا گندم وارد نکنیم! می‌گفت بعدها فهمیدیم مصرف آب مارچوبه کمتر از گندم است و نرخ جهانی آن بیشتر از گندم. یعنی با این برنامه دو بار صرفه‌جویی می‌کردند: با کاشت مارچوبه، در واحد سطح، کمتر از گندم آب مصرف می‌شد و با صدور آن ارزی به‌دست می‌آمد که با آن می‌شد بیشتر از گندم کاشته‌شده در واحد سطح، گندم به‌دست آورد. من در سال‌های ۵۳، ۵۴ در خوزستان کار می‌کردم. آن موقع سد دز به بهره‌برداری رسیده بود و حدود ۳۰۰ هزار هکتار از اراضی زیر سد را با کانال‌های آبیاری تحت پوشش قرار داده بودند. یکی از این کشت‌وصنعت‌ها، مارچوبه کاشته بودند. یک شب با مهندسان آنجا صحبت می‌کردم. گفتم شما خیانت می‌کنید مردم ما مارچوبه نیاز ندارند. پاسخ داد مارچوبه را تنی ۵۰۰۰ دلار صادر می‌کنیم. آن موقع گندم تنی ۱۵۰ دلار بود. می‌گفت وقتی یک تن مارچوبه صادر کنیم، می‌توانیم بیش از ۳۰ تن گندم وارد کنیم. این می‌شد مصداقی از خودکفایی، نه اینکه بخواهیم از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را در کشور تولید کنیم.

تحلیل روز

صمت به تحلیل کاستی‌های طرح آمایش سرزمین پرداخت

کشور در انتظار توسعه متوازن

بسیاری معتقدند ریشه اصلی بروز مشکلات این روزهای خوزستان عدم توجه کافی به آمایش سرزمین برای اجرای طرح‌های بزرگ عمرانی است. طرح آمایش سرزمین از برنامه چهارم توسعه در دستور کار قرار دارد و بر تدوین و اجرای آن تاکید و بعد از ۴ سال از تکلیف قانون، خرداد امسال تدوین این برنامه نهایی شد. در برنامه پنجم و ششم توسعه نیز بر تدوین آمایش سرزمین تاکید شد اما باز هم این امر محقق نشد. این در حالی است که حدود به ۵۰ میلیارد تومان در این ۱۵ سال صرف این پروژه شد. با تاکیدی که قانون اساسی کشور بر رفع نابرابری‌های منطقه‌ای داشته و با توجه به اهمیت عدالت اجتماعی در شرایط امروز، رفع موانع اجرای این طرح می‌تواند کمک شایانی برای بهبود وضعیت عادلانه کشور باشد.

رفع نابرابری منطقه‌ای و دستیابی به توسعه متوازن در سطح کشور یکی از دغدغه‌های محوری مسئولان و تصمیم‌گیران در دهه‌های گذشته بوده و در اصل ۴۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز مورد تاکید جدی قرار گرفته است. در این ماده قانون اساسی آمده است: «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.»

امیرعباس آذرم‌وند
editor@smtnews.ir

با توجه به اهمیت موضوع، اقدامات بسیاری در قالب سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه در دوران قبل و از بعد از انقلاب صورت گرفته است. اما به گواه مطالعات انجام‌شده زمینه پایش نابرابری‌ها در حوزه‌های گوناگون کشور، الگوی حاکم بر سازمان فضایی کشور، از الگوی مرکز-پیرامون در توسعه منطقه‌ای پیروی می‌کند که شامل یک نقطه مرکزی توسعه‌یافته و محدوده‌های پیرامونی توسعه‌نیافته است. بر این اساس، نابرابری‌های بزرگ در کیفیت زندگی مردم و در سطح رفاه اجتماعی آنها از منظر توزیع منابع مالی، زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی بروز کرده است. این موضوع حکایت از توفیق نیافتن برنامه‌ریزی‌های توسعه منطقه‌ای و تقسیم کار فضایی در کشور دارد. به گزارش صمت آن‌طور که بازوی نظارتی مجلس شورای اسلامی تحلیل می‌کند، یکی از مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده برای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در کشور، توجه به مقوله تدوین اسناد آمایش سرزمین در برنامه‌های توسعه کشور است. در این راستا، پس از تاکید برنامه چهارم و پنجم بر تدوین اسناد ملی آمایش، به موجب حکم جزء یک بند الف ماده ۲۶ قانون برنامه ششم، تهیه اسناد ملی و استانی آمایش سرزمین در طول سال اول اجرای قانون برنامه، برعهده دولت قرار گرفت و مقرر شد پس از تصویب اسناد یادشده از سوی شورای‌عالی آمایش از سال دوم اجرای قانون برنامه به مرحله اجرا دربیاید. در این باره براساس مستندات سازمان برنامه و بودجه، تاکنون سند آمایش ملی تدوین نشده و تدوین سند نام‌برده به «مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده نگری» سازمان برنامه محول شده و برنامه‌ریزی بر آن بوده که در پایان مرداد ۹۸ خروجی نهایی سند ملی آمایش، برای تصویب به شورای‌عالی آمایش سرزمین ارسال شود که این اقدام انجام نشد. براساس مستندات ارائه‌شده از سوی سازمان برنامه و بودجه، تاکنون اسناد مربوط برای ۳۱ استان تهیه شده است. تصویب این اسناد در شورای‌عالی آمایش سرزمین، متوقف شد تا این که خرداد امسال تصویب این سند نهایی شد. انتظار می‌رود از این پس اسناد استانی نیز بررسی و تصویب نهایی شوند. با این همه با توجه به فرازوفرودهای مختلفی که آمایش سرزمین در کشور ما با آن روبه‌رو بوده، به نظر می‌رسد هر دو گزارش دیوان محاسبات و سازمان برنامه درباره اسناد آمایش استانی و منابع تهیه آنها ناقص و قابل تشکیک است.

فلسفه وجودی آمایش سرزمین

فلسفه وجودی برنامه‌ریزی حل‌وفصل بحران ناهماهنگی است. بنابراین انتظار می‌رود در اسناد توسعه‌ای مانند سند آمایش ملی و استانی اقدام به تبیین ناهماهنگی‌های بحران‌زا در سطوح منطقه‌ای، بین مناطق و ملی شود. بررسی محتوایی اسناد آمایش در دسترس حکایت از آن دارد که درک مشخصی از توسعه یا مفهوم برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین وجود ندارد. این مسئله درباره صورت‌بندی نظری نیز موضوعیت دارد. حال آنکه از نظر روش‌شناختی گفته می‌شود ابتدا باید مفهوم و سپس پایه نظری مشخص باشد و در ادامه با اتکا به این دو شاخص، سنجش و ارزیابی مناسب ایجاد می‌شود. به طور کلی ارزیابی می‌شود که نظم فکری حاکم بر تهیه سند آمایش استانی، فاقد اسلوب روش‌شناختی و ذهنیت برنامه‌ای بوده است. نبود توافق بر اولویت تدوین سند ملی آمایش بر اسناد آمایش استانی موجب بروز ناهماهنگی در تدوین اسناد استانی شده است. این مسئله در حالی روی داده است که نمی‌توان انتظار داشت بدون وجود سند ملی آمایش، استان‌ها به صورت انفرادی بتواند برنامه مناسبی تدوین کرده و به آن عمل کنند زیرا هر استان به‌عنوان جزئی از کل کشور باید در راستای اهداف بلندمدت کشور پیش رود و نباید از سرنوشت مشترک و در هم تنیده استان‌ها و فعالیت‌های اقتصادی در کشور غفلت کرد. موازی‌کاری در نهادهای مختلف در تدوین اسناد توسعه و نامشخص بودن جایگاه اسناد جامع توسعه‌بخشی مانند سند جامع آب، انرژی، حمل‌ونقل و... و طرح‌های جامع و کالبدی استان‌ها در تدوین اسناد آمایش ملی و استانی یکی دیگر از مصادیق ناهماهنگی در برنامه‌ریزی و تدوین اسناد آمایش به شمار می‌رود.

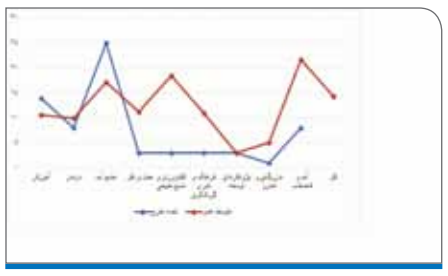
▣ قابلیت اسناد آمایش برای بودجه‌ریزی

آمایش‌محور بودن تخصیص بودجه کشور موضوعی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه سیاست‌گذاران کشور قرار گرفته است به‌طوری که مسئولان سازمان برنامه و بودجه نیز بارها در کمیسیون تخصصی مجلس عنوان کرده‌اند اسناد آمایش استانی قابلیت دارند تا بودجه‌ریزی براساس آنها انجام شود. از آنجا که تاکنون گزارش اسناد آمایش ملی و استانی به تصویب نرسیده و در اختیار مقامات اجرایی ملی و استانی کشور نیست، نمی‌توان انتظار داشت اولویت‌های زیرساختی مطرح‌شده در برنامه‌های آمایش در طرح‌های عمرانی استانی تحقق یافته باشند. با وجود این، برمبنای بررسی‌های انجام‌شده در مطالعات توسعه استانی به نظر نمی‌رسد در سال‌های گذشته تغییرات چشمگیری در مسائل اساسی استان‌ها ایجاد شده باشد و از سوی دیگر به هر حال باید تخصیص اعتبارات استانی در گذشته برمبنای یک تفکر توسعه‌ای صورت می‌پذیرفت.

بنابراین، اگر بپذیریم طبق ادعای سازمان برنامه و بودجه در تدوین اسناد آمایش سرزمین استانی برنامه‌ریزی از پایین به بالا صورت گرفته و مقامات، ذی‌نفعان و خبرگان استانی در تدوین اسناد یادشده دخیل بوده‌اند، انتظار می‌رود تفکر توسعه‌ای قبل از تدوین اسناد آمایش، همگرایی نسبی با اسناد آمایش تدوین‌شده داشته باشند. بنابراین، سنجش ارتباط میان اسناد آمایش و طرح‌های عمرانی اقدامی مفید ارزیابی می‌شود زیرا اعتبارات طرح‌های عمرانی مهم‌ترین منابع مالی برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای استان‌ها هستند.

فرآیند تدوین سند آمایش تا اجرا

از مشکلات طرح‌های آمایش در ایران فاصله طولانی میان آغاز فرآیند تدوین سند آمایش تا پایان آن در بسیاری از استان‌ها بر اعتبار مطالعات انجام‌شده در سال‌های آغازین خدشه وارد می‌سازد. از سوی دیگر شروع چندباره فرآیند تدوین سند آمایش در بسیاری از استان‌ها مشاهده می‌شود. این موضوع در کنار پردستاورد نبودن اسناد یادشده می‌تواند به دلیل بی‌اعتمادی نهادهای اجرایی استان‌ها به برنامه‌های آمایش و انجام شکلی کار به واسطه الزامات قانونی باشد. نیمه‌تمام رها شدن مطالعات یا تغییر مشاور در تعدادی از استان‌ها قابل مشاهده است. این موضوع حکایت از آن دارد که در پاره‌ای موارد، سازکار کارآمدی برای انتخاب مشاور باکفایت وجود نداشته است. اطلاعات ارائه شده از سوی دیوان محاسبات و سازمان برنامه و بودجه تا حدودی ناقص است و در برخی مواقع، اطلاعاتی درباره مشاور، ناظر و سرانجام نهایی طرح‌ها، ارائه نشده است. سومین محور در مرور اجمالی اقدامات دولت در زمینه تدوین برنامه‌های آمایش استانی به تحلیل منابع مالی تخصیص‌یافته برای تدوین اسناد یادشده اختصاص یافته است. نتایج نشان می‌دهد بیشتر سهم از اعتبار مصوب کشور برای برنامه‌های آمایش استانی در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ و پس از تعدیل قیمتی به استان‌های مرکزی، تهران، اصفهان، ایلام و سمنان اختصاص یافته است. برای بررسی و تحلیل میزان آمایش‌محور بودن تخصیص منابع و بودجه کشور، بررسی ارتباط طرح‌های عمرانی استان با برنامه‌های اسناد آمایش، به صورت موردکاوی در استان گلستان، مورد توجه قرار گرفته است. برای این منظور فارغ از اینکه محتوای اسناد آمایش استانی تا چه اندازه قابل اتکاست، برنامه‌های پیشنهادی در آخرین سند آمایش تدوین شده برای استان گلستان پس از طبقه‌بندی براساس سرفصل‌های طرح‌های عمرانی، با طرح‌های یادشده در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ مورد مقایسه قرار گرفت. فارغ از کاستی‌هایی که در ارزیابی دقیق میزان انطباق طرح‌های عمرانی و اسناد آمایش وجود دارد، نتیجه این بررسی حاکی از آن است که از منظر طبقه‌بندی فصل‌ها میان پروگرام‌ها سند آمایش و طرح‌های عمرانی استان گلستان مطابقت چندانی وجود ندارد به طوری که طرح‌های عمرانی استان گلستان بیشتر بر فصول منابع آب، آموزش و درمان تاکید دارد. حال



آنکه بیش از ۵۵ درصد برنامه‌های سند آمایش استان در فصول «فرهنگ و هنر و گردشگری»، «حمل‌ونقل» و «کشاورزی و منابع طبیعی» طبقه‌بندی شده‌اند. با توجه به بحث‌های صورت گرفته، به نظر می‌رسد فرآیند فعلی تدوین اسناد آمایش استانی، تاکنون دستاورد مورد انتظار را به همراه نداشته است که این مسئله می‌تواند از ضعف نظارت هنگام تدوین این اسناد از سوی نهادهای متولی به‌ویژه سازمان برنامه و بودجه به‌عنوان مسئول تدوین اسناد و مجلس به عنوان نهاد ناظر نشأت گرفته باشد. بدیهی است فلسفه وجودی اسناد آمایش ایجاد هماهنگی میان فضا، انسان و فعالیت است و در نبود چنین سندی، مسئولان و نمایندگان مردم در استان‌ها برای ارائه خدمات به آن مناطق، به ارائه طرح‌هایی مانند تاسیس منطقه آزاد، راه‌اندازی صنایع پتروشیمی، تقسیم استان و تشکیل استان جدید روی می‌آورند که بی‌تردید نتیجه چنین رویکردی، انحراف در تخصیص بهینه منابع و تحقق نیافتن اهداف توسعه‌ای کشور خواهد بود. با توجه به حکم قانون برنامه ششم توسعه درباره تدوین اسناد آمایش ملی و استانی، سرانجام پس از ۳ برنامه توسعه برای نخستین‌بار اسناد آمایش استانی برای همه استان‌های کشور تکمیل و به سازمان برنامه ارائه شد. این امر این تصور را برای نمایندگان مجلس به‌ویژه دو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و عمران به وجود آورد که می‌توان بودجه‌های عمرانی را براساس اسناد آمایش استانی تهیه‌شده تخصیص داد. هرچند تخصیص بودجه‌های عمرانی و سایر تسهیلات و اتخاذ سیاست‌ها مبتنی‌بر اسناد آمایش استانی بسیار مطلوب و پسندیده است اما واکاوی دقیق اسناد آمایش استانی نشان داد که این اسناد کیفیت کافی ندارند.

راهکارهای اجرای طرح آمایش سرزمین

واقعیت آن است که کشور ما علاوه‌بر آنکه دارای اسناد آمایش استانی و ملی قابل اتکا نیست، فاقد سایر اسناد توسعه‌ای مانند استراتژی توسعه صنعتی است. برنامه توسعه کشور باید از تلاقی ۲ نوع برنامه‌ریزی بالا به پایین و پایین به بالا حاصل شود. به نظر می‌رسد اسناد آمایش استانی موجود را می‌توان با اغماض نوعی برنامه‌ریزی پایین به بالا محسوب کرد. اما زمانی می‌توان به یافته‌های آن اتکا کرد که علاوه‌بر اینکه این اسناد باکیفیت باشند، با برنامه‌ریزی بالا به پایین نیز تلفیق شوند. در این رویکرد پیشنهادی برای استفاده از مطالعات آمایش استانی داده شده مبنی‌بر اینکه بهتر است این اسناد پالایش شود و هماهنگی لازم میان آنها برقرار شود زیرا همان‌گونه که قبلا مورد اشاره قرار گرفت، در نبود سند آمایش ملی و فقدان خواسته مشخص از برنامه‌های آمایش سرزمین، اسناد آمایش استان‌های مختلف، به صورت جزیره‌ای و مستقل از هم، تدوین شده‌اند و ارتباط و هماهنگی لازم میان آنها به منظور تحقق اهداف توسعه‌ای برقرار نیست. با توجه به مجموع بحث‌ها و شرایط به نظر می‌رسد رویکرد دوم مربوط به تدوین اسناد آمایش و تقویت نظام نظارت آن، شرایط ذکرشده در رویکرد نخست، فراهم آید. مادامی که چالش‌های موجود در نظام اداری، مالی و... رفع نشود نمی‌توان انتظار زیادی برای تحقق توسعه از مجرای تدوین اسناد آمایش سرزمین داشت. نظام اداری ابزار و موتور محرکه توسعه و سازمان تنظیم‌کننده همه فعالیت‌هاست و تقسیمات کشوری بستر این نظام اداری است. نظام سیاسی-اداری می‌تواند کشور را به سمت توسعه پایدار سوق دهد که با تحقق بخشیدن به سیاست‌های تمرکززدایی، اختیارات مشخص و نسبی به استان‌ها تفویض یا واگذار کرده تا بتوانند در امور مربوط به محل خویش تصمیم‌گیرنده و مجری باشند.

نظرگاه

۱۰ اشتباه استراتژیک

عباسعلی احدی‌زاده- فعال منابع آب و محیط‌زیست:

آنگاه که رئیس‌جمهوری، روحانی فردی از بدنه وزارت نیرو با تجربه یک دهه مدیریت در مراکز جهانی را به‌عنوان گزینه وزارت نیرو بر کرسی این وزارت نشاند، آنانی که وی را نمی‌شناختند تصور می‌کردند بهترین گزینه جهان برای ایران انتخاب شده است؛ غافل از آنکه مشی شخصی و منش مدیریتی وی، هیچ‌گاه مناسب چنین منصبی نبوده است. نخستین خطای وزیر آنجا روشن شد که معاون باتجربه قبلی آب را با استادی از دانشگاه تعویض کرد که جز متون و سواد کلاسیک از مفاهیم علمی آب، هیچ شناختی از آب، مدیریت آب، ساختار آب، چالش‌های آب و مهم‌تر از همه مدیران منابع آب نداشت. دومین خطای راهبردی وزیر، زمانی روشن شد که برای برداشتن همین معاون دانشگاهی، مدیری سیاسی برگزید. خطای سوم وزیر تغییر ساختار آب کشور در زمان خشکسالی و بروز تنش آبی در بیش از ۳۰۰ شهر از ۴۵۰ شهر کشور بود؛ کاری که بسان بلدوزری بر خرابه وزارت نیرو عمل کرد. حذف نیروهای کارآ و توانمند، باسواد، انقلابی و باتجربه از بدنه آب و برق کشور چه به بهانه بازنشستگی و چه تغییر ساختار، چهارمین خطای وزیر به‌شمار می‌آید. پنجمین خطای راهبردی آقای وزیر، تهی کردن وزارت نیرو از بدنه کارشناسی و مدیریتی به‌بهانه بازنشستگی بود. خطای ششم بی‌توجهی به خیرخواهی خیرخواهان و کارشناسان آب و برق در جلسات و نشست‌ها بود. خطای هفتم وزیر راه‌اندازی یک ماشین تبلیغاتی به‌نام پویش «الف. ب. ایران» با شعار سازکارها و ساخت‌وسازها در کل هفته‌های سال بود؛ طرح‌هایی که بعضا مطالعه نشده یا یک بار افتتاح شده بود یا بی‌اهمیت و بی‌تاثیر بودند هر هفته افتتاح می‌شدند. خطای هشتم انتصاب نادرست در شرکت مادرتخصصی تولید نیروی برق حرارتی و اجرا نشدن دقیق برنامه ششم توسعه کشور و ارائه اخبار و گزارش جعلی به مقامات مافوق بود. در برنامه ششم میزان افزایش توان نیروگاهی و توسعه برق مشخص و تعریف شده، در حالی که در این سال‌ها از ظرفیت برنامه ششم توسعه حتی برای احداث ظرفیت تولید یک کیلووات ساعت اقدامی صورت نگرفت و فعالیت‌های توسعه‌ای برنامه‌های چهارم و پنجم به اسم برنامه ششم توسعه به مردم و مسئولان کشور ارائه شد.

خطای نهم آقای وزیر توجه نکردن به الزامات تمدن ایران و ضرورت احیای دشت‌های کشور و آبخوان‌داری و بستن چاه‌های غیرمجاز با گرفتن اعتبار برای معیشت مردم بوده است. طرح تعادل‌بخشی کشور که با ۱۵ برنامه عملیاتی می‌توانست به شرط اجرای دقیق، موجب احیای دشت‌های کشور شود با طرحی من‌درآوردی به‌نام سازگاری که هیچ برنامه اقدامی به پیوست نداشت، جایگزین شد. خطای دهم وزیر انتقال بی‌رویه آب از سرشاخه‌ها به فلات مرکزی، انتقال آب شیرین به دریاچه شور ارومیه (به‌جای انتقال آب شور از خزر)، توسعه نامتوازن سدسازی و بی‌توجهی به طرح تعادل‌بخشی، بازنشسته کردن مدیران و کارشناسان متبحر از بدنه شرکت مدیریت و هزاران آسیب ریز و درشت دیگری که تا سال‌ها زخم آنها ترمیم نخواهد شد، است. انتظار جدی از دستگاه‌های نظارتی این است که با برآورد آسیب‌های وارده گزارشی شفاف برای افکار عمومی تبیین کنند.

یادداشت

نبود آب در ایران را جدی بگیرید



حمیدرضا رمضانی- کارشناس هیدرولوژی و بحران خشکسالی

ملت ایران به‌خوبی می‌دانند که استان اصفهان بعد از استان سیستان و بلوچستان و استان یزد سومین استان خشک ایران با آورد آبی نزولات آسمانی سالانه حدود ۹۵ میلیمتر است.

در اینکه مردم شریف استان اصفهان برای حیات و زندگی خود به آب شرب احتیاج دارند هیچ شکی نیست و دولت مکلف و موظف به تامین آب شرب استان اصفهان است، اما حالا آب اصلا آب شرب مردم، مقصود نیست. شاید هدف احداث کارخانه عظیم فولادسازی و کارخانه اتومبیل‌سازی در حاشیه کویر است. علاوه بر این نباید ۷ هزار هکتار از اراضی کشاورزی در منطقه لنجان استان کم‌آب و خشک اصفهان به کشت برنج اختصاص یابد. کشاورزی‌های چنده هزار هکتاری غرقابی در استان بی‌آب و خشک اصفهان غیرقابل باور است و حجم بیش از حد فضای سبز خطی با مصرف بسیار زیاد آب در این استان موضوع دیگری به‌شمار می‌رود.

علاوه بر آنچه گفته شد استان اصفهان از طریق طرح‌های انتقال آب (کوهرنگ ۱، کوهرنگ ۲، کوهرنگ ۳ و...) از استان چهارمحال و بختیاری هم‌اکنون بیش از ۸۰۰ میلیارد مترمکعب آب برداشت می‌کند و همچنین همین استان دوباره می‌خواهد از طریق طرح‌های انتقال آب (چشمه لنگان، خدنگستان، بهشت‌آباد، تونل گلاب، خرسان و...) از استان چهارمحال و بختیاری آب بسیار بیشتری برداشت کند و نکته قابل‌توجه اینکه غالب این طرح‌ها هم مورد تایید سازمان حفاظت محیط‌زیست نیست. طبق قانون آب مجازی برای تولید یک کیلوگرم برنج ۴ هزار لیتر آب نیاز است و نکته قابل‌توجه اینجاست که کارشناسان در همه جای دنیا تاکید می‌کنند که کشت برنج فقط باید در مناطق مرطوب و مناطقی که بیش از ۶۰۰ میلیمتر بارش سالانه دارند انجام شود، اما هم‌اکنون در استان اصفهان حدود ۷ هزار هکتار شالیزار وجود دارد؛ مضاف بر اینکه استان اصفهان با بارش سالانه ۹۵ میلیمتری و به‌دلیل پایین بودن غنای خاک و کویری بودن منطقه، سالانه بیش از ۳هزار میلیمتر تبخیر آب دارد و طبق برآورد صورت گرفته برای تولید هر یک کیلوگرم برنج در این استان حدودا بیش از ۲۲هزار لیتر آب مصرف می‌شود.

واقعا این تولید ناهمتراز غیراقتصادی در وسط کویر به چه قیمتی است؟ طبق قانون آب مجازی در دنیا برای تولید هر تن فولاد بیش از ۲۳۰ هزار لیتر آب مصرف می‌شود. واقعا چنین تولیداتی در یک استان خشک آن هم با ۹ کارخانه بسیار بزرگ فولادسازی چه هزینه‌هایی دارد؟ از طرفی باید دید سهم استان اصفهان از تولید ناخالص ملی (GDP) کشور چقدر است که این استان به‌تنهایی این همه آب را مصرف می‌کند. امریکا از هر یک مترمکعب آب بیش از ۵.۲ دلار درآمد و بیش از ۵.۴ کیلوگرم محصول برداشت می‌کند، اما در کشور ما از هر یک مترمکعب آب حدود ۲۵ سنت امریکا درآمد و حدود ۷۵۰ گرم محصول برداشت می‌شود؛ با این اوصاف به این نوع نگرش چیزی جز غارتگری می‌توان گفت؟ اگر واقعا برخی مسئولان اصفهان بخواهند با این رویه پیش بروند، از هم‌اکنون باید غزل خداحافظی کار و زندگی و فعالیت در استان اصفهان را خواند، چون با این عملکرد ناصواب هم استان اصفهان در آینده‌ای نه‌چندان دور به‌خاطر فقر آبی محکوم به فنا خواهد بود و هم استان چهارمحال و بختیاری.

در نتیجه ممکن است ایران در ۵ سال آینده آبستن درگیری‌های شدیدی بر سر آب در مناطق مرکزی شود؛ بنابراین مسئولان کشور باید به‌شدت موضوع نبود آب در ایران را جدی بگیرند.

بر اثر بی‌آبی ساکنان خیلی از شهرهای کویری ایران مجبور به ترک سکونتگاه‌های خود شدند و به شهرهای دیگر مهاجرت کردند و به‌زودی بحران امنیت ملی پدیدار می‌شود.

منبع: سایت خبری تحلیلی الفباخبر

از فضای مجازی

متهم را پشت میزهای قدرت بجویید!

محمد درویش- فعال محیط‌زیست:

۱- به‌طور متوسط و به شهادت آمارهای شرکت مدیریت منابع آب ایران، میانگین آب قابل استحصال کشور در یک دوره بلندمدت ۵۲ ساله حدود یکصد میلیارد مترمکعب است. از این مقدار فقط حدود ۸ درصد می‌تواند نیاز آب شرب یک‌سال ایرانیان را تامین کند. یعنی کمتر از یک‌هفتم آبی که در مخازن سدهای ایران ذخیره می‌شود به فرض آنکه از مخازن آب زیرزمینی اصلا در هیچ شهری استفاده نشود -که می‌شود- کافی است تا ایرانیان را دیگر از هیولایی به‌نام تشنگی نترسانیم.

۲- اگر اینک در خوزستان با رخدادی به‌نام شورش آبی روبه‌رو شده‌ایم، در بروجن بیش از ۶۰ روستا را با تانکر آبرسانی می‌کنیم و در گیلان برای جبران کمبود آب شرب مردم به قطع رویشگاه‌های جنگلی و ساخت سدهای بزرگ مخزنی روی آورده‌ایم؛ این نه به‌دلیل کمبود ریزش‌های آسمانی که به‌دلیل کمبود خرد، وجدان و فهم بوم‌شناختی در مدیریت آبی سرزمین است.

۳- هیچ از خود پرسیده‌ایم که چرا مردم در خراسان جنوبی به اندازه خوزستان از کمبود آب خشمگین نیستند؟ پاسخ این است که آنها درک می‌کنند که در خراسان آبی نیست که بخواهند توزیع کنند، اما در خوزستانی که کارون، دز، کرخه، زهره، مارون و بهمن‌شیر را دارد؛ در خوزستانی که یک‌سوم منابع آب سطحی ایران در آن جاری است، چرا باید مردم در چنین فلاکتی اسیر و گرفتار باشند؟

۴- آری... مشکل ما با دعا و نماز باران یا با غلبه تفکر سازه‌ای در یزد، اصفهان، خراسان، سمنان، خوزستان، کرمان، ارومیه، فارس، قم و... حل نخواهد شد؛ وقتی بلد نیستیم از آب موجود به‌درستی استفاده کنیم؛ وقتی ضایعات در بخش کشاورزی ما چند برابر حد استاندارد است؛ وقتی با صادرات آب مجازی فکر می‌کنیم می‌شود پول پایدار تولید کرد؛ وقتی عرضه ترمیم لوله‌های فرسوده شبکه شرب شهری را نداریم و ۳۰ درصد آب را هدر می‌دهیم و وقتی هنوز به ۲۰ درصد اهداف برنامه‌های پنج‌ساله چهارم تا ششم نرسیده و اغلب شهرهای ما فاقد تصفیه‌خانه و توان بازچرخانی آب هستند. ما کفران نعمت کرده و خواهیم کرد تا زمانی که به جای پخمه‌ها از نخبه‌ها استفاده نکنیم و به‌جای کلنگ مدیریتی با مدیریت کلنگی روزگار بگذرانیم.

این شاید آخرین هشدار برای آنهایی باشد در درون حاکمیت که هنوز اعتبار و وقار ایران و توجه به حقوق ملی برای‌شان مهم است.

مارون، شادگان، بهبهان و مافیای سدساز

از میلیون‌ها سال پیش از سکونت انسان رود تاب که از سده ۱۳ هجری نامش به مارون تغییر یافت، در جریان بوده است.

مارون از رودخانه‌های متوسط دائمی جنوب باختری ایران است که از رشته‌کوه زاگرس در استان کهگیلویه و بویراحمد سرچشمه گرفته و پس از گذر از بهبهان و آغاجاری و پیوستن رود اعلای رامهرمز به آن، به‌نام جراحی، تالاب بزرگ شادگان را سیراب می‌کرد و در پایان، به خلیج‌فارس می‌ریخت.

آب رود مارون در بالادست از کیفیت ممتازی برخوردار بوده، اما از روستای عیدنک لنده و پیش از رسیدن به بهبهان، به علت گذر از زمین‌های با ساختار گچی-نمکی، از کیفیت آن کاسته می‌شود. با این همه، مارون عامل اصلی تکوین کانون‌های بهبهان، رامشیر و شادگان بوده است. شوربختانه مافیای سدساز، به این رود تاریخی نیز رحم نکرد.

سد مارون با ابعاد ۳۴۰ متر درازا و بلندی ۱۷۵ متر و با ژنراتوری با ظرفیت تولید ۱۵۰ مگاوات به ظاهر با هدف تامین آب موردنیاز کشاورزی خوزستان جنوب باختری ساخته شد.

در پی آن سد تنظیمی کوچک‌تری به‌نام مارون ۲ در پایین‌دست این رودخانه طراحی و اجرا شد. نابودی گام به گام گسترده‌ترین تالاب ایران، یعنی تالاب بین‌المللی شادگان و کمبود هولناک آب (زراعی، صنعتی، شرب و حقابه تالاب) در پایین‌دست، یعنی شادگان و خشک شدن هزاران اصله نخل و زمین‌های زراعی، نتیجه ساخت این سد بود.

همچنین با خشکی تالاب میلیون‌ها ساله شادگان و پیشروی آب شور دریا به سمت آن، نخلستان‌های تاریخی نیز از بین رفته و در حال نابودی کامل است.

اما داستان به همین جا ختم نشده است؛ مافیای سدسازی، برای تکمیل کار نیمه‌تمام خود و نابودسازی کانون‌های سکونتگاهی چندهزارساله، در حال طراحی سدی بزرگ در بالادست مارون است. با چنین برنامه‌هایی نابودی سکونتگاه‌های بهبهان و آغاجاری و صدها روستای قدیمی در پایین‌دست، حتمی است. هیچ گمان نبرید که در فاز آخر نوبت بی‌آبی شهرها و روستاهای بالادست در کهگیلویه به‌دست مافیای سدساز خواهیم بود.

در گفت‌وگو با معاون آب‌وهوای سازمان محیط‌زیست مطرح شد

خلأ آمایش سرزمین عامل اصلی خشکسالی

فاطمه امیراحمدی
editor@smtnews.ir

صنعتی شدن جهان با مشکلات زیست‌محیطی همراه شد و صنایع متحرک در کنار صنایع ثابت، آلایندگی بسیاری به‌دنبال داشتند. این روزها خشکسالی و کاهش سفره‌های آب زیرزمینی، زنگ خطر را برای ایران به صدا درآورده، معضلی بسیار جدی که حیات را به مناقشه طلبیده است. فرونشست زمین پیامد مشکلات زیست‌محیطی بوده و این یعنی گسترش بیابان‌ها در کره زمین. البته کشورهای صنعتی خیلی پیش‌تر به این معضل جدی پی برده و راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت را برای کشورشان تدوین کردند. در این راستا، بسیاری صنایع آب‌بر را از کشور خود خارج و در کشورهای دیگر و به‌طور معمول کشورهای جهان سومی مستقر کردند. یا در حوزه کشاورزی با اجاره زمین در کشورهایی با منابع آب بالا، محصولات موردنظرخود را زیرکشت برده و حتی صادرات هم دارند. هم‌اکنون معضل خشکسالی و بی‌آبی در کشور به نقطه هشدار رسیده و فرونشست زمین در بیشتر مناطق ایران به‌وضوح قابل مشاهده است. در ادامه صمت گفت‌وگویی با داریوش گل‌علیزاده، معاون آب‌وهوای سازمان ملی حفاظت محیط‌زیست درباره معضلات زیست‌محیطی فعلی کشور به‌ویژه در حوزه کم‌آبی خوزستان داشت که می‌خوانید.



عکس: صمت

درباره رفع آلودگی هوای شهرهای نفت‌خیز جنوب کشور به‌ویژه خوزستان، سازمان حفاظت محیط‌زیست چه برنامه‌ای دارد؟

مناطق جنوبی کشور به‌ویژه خوزستان نفت‌خیز است؛ از این‌رو صنایعی مانند پتروشیمی، پالایشگاه‌ها و صنایع وابسته در این خطه به‌شکل تجمعی استقرار پیدا کردند که آلودگی تجمعی آنها منجر به افزایش غلظت زمینه‌ای آلاینده‌ها شده و یک تهدید جدی در حوزه بهداشت عمومی به‌شمار می‌رود. اما به‌هر روی نمی‌توان پالایشگاه‌ها را تعطیل کرد؛ بنابراین سازمان ملی حفاظت محیط‌زیست از طریق قانون دو امر را در دستور کار خود قرار داده است؛ نخست مشکل آلایندگی این صنایع که مورد پیگیرد قضایی و حقوقی قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیری درباره این موضوع با مرجع قضایی خواهد بود. همزمان با این امر، براساس تبصره یک ماده ۳۸ قانون مالیات ارزش‌افزوده با عنوان «عوارض آلایندگی»، واحدهای آلاینده شناسایی و در فهرست صنایع آلاینده قرار می‌گیرند. به‌این ترتیب این صنایع مکلف هستند یک درصد از فروش خود را سالانه به سازمان امور مالیاتی بپردازند. این سازمان نیز براساس تشخیص سازمان ملی حفاظت محیط‌زیست، مبلغی را برای شهرها و روستای تحت‌تاثیر آلایندگی این صنایع هزینه می‌کند. اگر این واحدهای صنعتی فعال در حوزه نفت به‌طور مستقل، حدود مجاز آلاینده‌های مصوب قانون هوای پاک هیات‌وزیران سال ۱۳۹۷ که موردبازنگری قرار گرفت را هم رعایت کرده و استانداردها را پاس کنند، باز هم مردم این مناطق به‌دلیل استقرار تجمعی صنایع وابسته به نفت و گاز در معرض آلودگی قرار دارند. البته سازمان حفاظت محیط‌زیست یک سلسله تمهیداتی را درنظر دارد که کاهش چشمگیر آلودگی را در این مناطق به‌همراه داشته و حتی زیر حد مجاز خواهد بود. درحال‌حاضر قانونی برای کاهش آلاینده‌های تجمعی در کشور نداریم؛ بنابراین پیشنهاد دادیم مطالعات موردنیاز در این مناطق انجام‌شده تا راهکارهای جدیدتری برای جلوگیری از انتشار آلودگی تجمعی تدوین و اجرایی شود. بخشی از این آلاینده‌ها و کم‌آبی موجود ناشی از انجام نشدن آمایش سرزمین برای استقرار صنایع در کشور بوده است. به‌عنوان مثال در تهران نیز با همین معضل مواجه هستیم. در این منطقه بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ واحد صنعتی وجود دارد که هر یک از این صنایع اگر هم کمترین آلودگی را داشته باشند، در مجموع غلظت آلودگی در این مناطق را بسیار افزایش داده‌اند.



داریوش گل‌علیزاده

بخشی از آلاینده‌ها و کم آبی موجود ناشی از انجام نشدن آمایش سرزمین برای استقرار صنایع در کشور بوده است

آیا منابع آلاینده خوزستان و تهران یکی است؟

خیر. حدود ۴۰ درصد منابع آلاینده شهر تهران مربوط به صنایع متحرک از جمله وسایل حمل‌ونقل بوده اما در شهرهایی مانند اراک، اهواز و... که مشکل ترافیکی نداشته و درصد آلاینده خودروها بالا نیست، آلایندگی مربوط به صنایع ثابت است. یکی از آلایندگی‌هایی که واحدهای پتروشیمی به‌ویژه پالایشگاه‌های نفت و گاز دارند، موضوع فلرینگ است. این معضل دو پدیده را به‌همراه دارد؛ نخست افزایش گازهای گلخانه‌ای مانند دی‌اکسید کربن و اکسیدهای نیتروژن و دیگری گازهایی مانند اکسیدهای گوگرد و... نتایج این نوع عملکرد است.

در جهان قانونی برای حدود مجاز گاز فلرینگ وجود ندارد، چون عملکرد صنایع گازی و نفتی باید به‌گونه‌ای باشد که هیچ گاز فلری از این واحدها وارد هوا نشود. در واقع رهاسازی گازهای فلر ممنوع است. این گاز علاوه‌بر آلودگی هوا به محیط‌زیست هم آسیب‌های زیادی وارد می‌کند. این در حالی است که در تمام جهان با استخراج این گاز، آن را از تهدید به فرصت اقتصادی تبدیل کرده‌اند اما در کشور ما این گاز هرز می‌رود. وزارت نفت هم با توجه به پیگیری‌های انجام‌شده در مناطق عسلویه و ماهشهر، طرح‌هایی را برای کاهش خطرات گاز فلر آماده کرده است.

آیا این طرح‌ها قرار است منتج به بهینه‌سازی پالایشگاه‌ها شود؟

بله. برای این گاز بازار تقاضا هم وجود دارد اما قیمتی که وزارت نفت برای سرمایه‌گذاری و استخراج این گازها اعلام می‌کند برای سرمایه‌گذار صرفه‌اقتصادی ندارد. شورای عالی انرژی ایران از پایان سال ۱۳۹۸ به وزارت نفت تاکید کرده این مبلغ را منطقی‌تر کند تا بستر سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی فراهم شود.

توجه داشته باشید بعضی مسائل مربوط به موارد امنیتی و اقتصادی کشور بوده و با حساسیت بیشتری همراه است. به‌عنوان مثال، چاه‌های نفت و گاز مناطق جنوبی کشور جزو میادین مشترک با کشورهای همسایه است و اگر ما از این ظرفیت مشترک استفاده نکنیم، کشورهای همسایه تمام این ظرفیت را برداشت می‌کنند. از این‌رو در دوره‌هایی با شتاب و بدون در نظر گرفتن ملاحظات پایشگاه‌ها احداث شدند. در واقع بدون دریافت مجوز از سازمان ملی حفاظت محیط‌زیست مثلا پالایشگاه پارس‌جنوبی راه‌اندازی شد. در حال‌حاضر دفتر ریاست‌جمهوری به مدیران این پالایشگاه هشدار داده راهکارهای کاهش آلودگی هوای عسلویه را پیگیری کرده و ارائه دهند. مسئله خرید تجهیزات برای کنترل گازهای سمی مصوب و از سوی دولت ابلاغ شده است.

الزام این تجهیزات برای تمام پالایشگاه‌های نفتی و گازی کشور است؟

خرید این تجهیزات فعلا برای پالایشگاه‌های عسلویه الزامی شده و قرار است همزمان برای سایر پالایشگاه‌های فعال نیز تامین شود. وزارت نفت برنامه‌هایی در همین راستا دارد و قرار است این تجهیزات برای پالایشگاه‌های منطقه ماهشهر هم خریداری شود.

چرا این تجهیزات از همان ابتدا خریداری نشد تا امروز درگیر معضل آلایندگی نباشیم؟

تحریم‌ها، نرخ بالای این تجهیزات، کاهش منابع ارزی و... سبب شد خرید و تامین آنها با تاخیر انجام شود. اگر منابع مالی تامین شود، خرید این تجهیزات تصفیه‌کننده خروجی پالایشگاه‌ها با شتاب بیشتری انجام می‌شود.

این صنایع در حوزه مسئولیت اجتماعی چقدر ورود کرده‌اند؟

متاسفانه شاهد هستیم برخی وظیفه قانونی خود را با مسئولیت اجتماعی یکی می‌کنند. در هر شرایطی باید جلوی خروج گازهای سمی، پسماندها و سایر آلاینده‌ها گرفته شود و این جزو تکالیف قانونی واحدهای صنعتی بوده و الزام است. از همین‌رو پیامدهای ناشی از استقرار و فعالیت واحدهای صنعتی تدوین شد و آنها ملزم به پرداخت مالیات هستند. پول حاصل از مالیات و عوارض در اختیار شهرداری‌ها قرار می‌گیرد تا برای این امور هزینه شود اما متاسفانه چون هیچ نظارتی روی این هزینه‌کردها وجود ندارد و قانون هم دست شهرداری‌ها را باز گذاشته، گاهی شاهد هستیم این عوارض به‌جای هزینه برای بهبود شرایطی که پسماندها و گازهای آلاینده به‌وجود آورده‌اند، برای پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان هزینه می‌شود یا شهرداری زائرسرا خریداری و مهمانسرا ایجاد می‌کند.

در این‌باره سازمان ملی حفاظت محیط‌زیست اصلاحیه‌ای ارائه کرد و در قانون بودجه سال گذشته اشاره شد تا ۳۵ درصد عوارض در اختیار صندوق ملی سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار گیرد تا صرف رفع آلودگی صنایع آلاینده شود. سازمان واحدها را شناسایی کرد و آنها به نهادهای ذی‌ربط برای دریافت تسهیلات از این صندوق معرفی شدند. اما متاسفانه استقبال نشد؛ البته برای برخی واحدهای صنعتی منابع موجود این صندوق پاسخگو نبود.

به‌تازگی با اصلاحاتی که انجام شد قرار بود موضوع پرداخت تسهیلات از طریق مجلس شورای اسلامی پیگیری شود و ۲۰ درصد عوارض مالیاتی به صندوق ملی سازمان حفاظت محیط‌زیست واریز شده و زیر نظر این سازمان صرف هزینه‌هایی مانند کاهش آلایندگی‌های صنایع متحرک و ثابت شود. اما متاسفانه این موضوع از قانون حذف شد با وجود اینکه فشارهای زیادی روی سازمان در راستای کاهش آلودگی هوا و معضلاتی از این نوع وجود دارد. دست مدیران سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌لحاظ مالی بسته بوده درحالی‌که گستردگی فعالیت آن بسیار زیاد است.

در قالب مسئولیت اجتماعی هم برخی شرکت‌ها مدرسه و خانه بهداشت می‌سازند یا در کارهای فرهنگی و اجتماعی حضور دارند اما بعضی مشکلات و چالش‌ها به‌ویژه در حوزه آب و خشکسالی که دامنگیر کشور شده، گسترده بود و شهرهایی مانند اصفهان، یزد، چهارمحال بختیاری، خوزستان و... را تهدید می‌کند. حتی شهرهای شمالی کشور هم در معرض خطر کم‌آبی قرار دارد.

وقتی ملاحظات زیست‌محیطی در امور صنعتی نادیده گرفته می‌شود، برآیندی جز چالش‌های موجود نخواهد داشت. البته معضل کم‌آبی مختص به ایران نبوده و کشورهای همسایه را نیز در برگرفته است. این امر پیامدهای اجتماعی دارد و بستری برای برخی سوءاستفاده‌ها می‌شود.

در چند سال گذشته، آتش‌سوزی‌های زیاد در جنگل‌های کشور رخ داده است. این امر هم در خشکسالی‌های اخیر بی‌تاثیر نبوده، درست است؟

بله. جنگل‌ها یکی از منابع تولید آب به‌شمار می‌روند. آنها ظرفیت‌هایی در راستای جلوگیری از فرسایش خاک بوده و مانع ایجاد سیلاب می‌شوند. رودخانه‌های پایین‌دست جنگل‌های شمالی کشور گل‌آلود هستند، دلیل این امر هم عملکرد نامناسب در حوزه جنگل‌هاست.

درباره بی‌آبی موجود عنوان می‌شود شبکه فاضلاب شهری هم بی‌تاثیر نبوده است. دراین‌باره نظر شما چیست؟

اجرای طرح‌های فاضلاب شهری یکی از چالش‌های موجود است. در گذشته این فاضلاب‌ها وارد سفره‌های آب زیرزمینی می‌شدند. برخورد فیزیکی این آب‌های آلوده با خاک آن را تصفیه کرده و سفره‌های زیرزمینی پرآب بودند. در حال‌حاضر به‌دلیل شبکه فاضلاب شهری آب موردنیاز سفره‌های آب زیرزمینی تامین نمی‌شود و فقط از آنها برداشت می‌شود. با تخلیه آب‌های زیرزمینی شاهد فرونشست زمین هستیم. در بسیار از شهرهای کشور از جمله تهران، یزد، خوزستان و... این تغییر ناخوشایند زیست‌بوم در حال وقوع است. یکی از دلیل این امر هم به استخراج بیش از ظرفیت چاه‌های آب برمی‌گردد.

چرا قانون در این شهرها مانع برداشت آب از چاه‌ها نمی‌شود؟

آمار جهانی نشان می‌دهد کشورهای صنعتی فقط ۴۰ درصد از آب‌های چاه برداشت می‌کنند اما این عدد در کشور ما ۸۵ درصد است. در کنار موضوع شبکه فاضلاب‌های شهری، کشت‌های غیرنامتعارف را هم داریم. به‌عنوان مثال، برنج با آب‌بری بالا در شهرهایی مانند اصفهان، تهران، خوزستان و... سبب برداشت بیش از حد استاندارد جهانی از سفره‌های آب زیرزمینی شده است.

عنوان می‌شود بیشتر هدررفت منابع آبی کشور در حوزه کشاورزی است و بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی ایران به بخش کشاورزی سنتی اختصاص دارد. در این‌باره چرا نهادهای ذی‌صلاح ورود نکرده و اجازه دادند کشور در معرض خشکسالی قرار گیرد؟

متاسفانه همین‌طور است. کشت برنج، هندوانه و برخی محصولات، بسیار آب‌بر بوده و صادرات برخی صیفی‌جات از جمله هندوانه به کشورهای همسایه به‌عنوان خوراک دام در واقع به معنی صادرات آب کشور است. این معضل در کنار کشت برنج و هندوانه در حوزه کشت چغندر هم صادق است.

در کشورهای دیگر مانند ژاپن، کشت فراسرزمینی وجود دارد به این معنی که مثلا محصولات کشاورزی در کشورهایی مانند قزاقستان که از منابع آبی خوبی برخوردار است، کشت می‌شود. یا در برخی کشورهای افریقایی که جزو کشورهای پرآب جهان به‌شمار می‌روند، زمین‌های کشاورزی از سوی این کشورها اجاره شده و محصولات کشت می‌شوند.

خودکفایی در حوزه کشاورزی با آب‌بری بالا معنی ندارد و این در حالی است که ما باید به سمت امنیت غذایی حرکت کنیم. ایران به‌دلیل قرار گرفتن در نیم‌کره خشک زمین، کشوری خشک و کم‌آب به‌شمار می‌رود. درحال‌حاضر با شروع خشکسالی مردم در حال مهاجرت از مناطق جنوبی به مناطق شمالی بوده و زمینه کم‌آبی شهرهای شمالی را نیز به‌وجود آمده است.

بی‌آبی خوزستان چقدر به بخش کشاورزی مربوط است؟

۴ محصول مهمی که در خوزستان کشت می‌شود ذرت، نیشکر، برنج و چغندرقند بوده که بسیار آب‌بر هستند. به‌عنوان مثال، کشت نیشکر ۴ برابر برنج به آب نیاز دارد. طی سال‌های گذشته برداشت آب از چاه‌های این شهر به‌طور غیرقانونی انجام می‌شده اما در دولت نهم و دهم برای رفع این مشکل، برداشت غیرقانونی از چاه‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی قانونی شد.

کارشناسان بخشی از مشکلات کم‌آبی فعلی را به سدسازی بی‌رویه ارتباط می‌دهند. سهم این مسئله در خشکسالی کشور چقدر است؟

سدسازی یکی از متهمان معضل خشکسالی است. در جهان کشورها به سوی ساماندهی وضعیت آبی کشورشان رفته‌اند اما این موضوع در کشور ما مغفول ماند. نعمت‌های ملی را نباید فدای منافع کوتاه‌مدت کرد. وقتی در کشور ظرفیت‌های بالقوه بسیاری در صنعت گردشگری وجود دارد، چرا باید روی صنایع آب‌بر سرمایه‌گذاری کرد. گردشگری به‌طور مستقیم ۵۶ شغل ایجاد می‌کند؛ آن هم شغل پایدار در حالی که ایجاد اشتغال در حوزه صنعت پایدار نیست. چند درصد واحدهای صنعتی کشور ورشکسته و تعطیل هستند؟ ترکیه، سنگاپور، تایلند و... از کشورهایی هستند که بخش زیادی از درآمدشان به‌وسیله صنعت گردشگری به‌دست می‌آید. امروز بنگلادش هم رشد اقتصادی خوبی دارد که پیش‌بینی می‌شود در ۱۰ سال آینده این کشور رشد اقتصادی چشمگیری هم داشته باشد. هند در حال فروش دانش است. چرا کشور ما به‌جای فروش هندوانه نباید دانش و خدمات صادر کند؟ برخی کشور کارخانه‌های فولادسازی خود را به‌دلیل آب‌بری بالا و آلایندگی که دارند تعطیل و به خارج از کشور منتقل کرده‌اند. مثلا برخی از کشورها کارخانجات سنگ خود را تعطیل و به‌جای آن صنعت کشتیرانی راه‌اندازی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، ایران دارای بالاترین ظرفیت در حوزه انرژی خورشیدی است، درحالی که فقط ۱۰۰ مگاوات از کل برق تولیدی کشور مربوط به انرژی خورشیدی است. آلمان ۴۰ درصد برق موردنیاز خود را از طریق انرژی خورشیدی تامین و صادر می‌کند. ما هم باید با این شیوه بخشی از برق موردنیاز را تولید و تامین کنیم اگرچه سرمایه‌گذاری زیادی نیاز دارد و هزینه‌های اولیه آن بالاست اما در ادامه انرژی پاک داشته و می‌توانیم با صادرات، درآمد ارزی بیشتر داشته باشیم.

در مناطقی که از انرژی خورشیدی برخوردار هستند، چرا باید با استفاده از سوخت گاز، برق تولید شود. رفتن به این‌سو آلودگی‌های ناشی از سوخت گاز و گازهای گلخانه‌ای را بسیار کاهش می‌دهد. در پایان تاکید می‌کنم از بین رفتن سفره‌های آب زیرزمینی قابل‌برگشت نبوده و با پدیده فراگیر فرونشست زمین مواجه خواهیم بود. این پدیده در کبودرآهنگ همدان، بخش‌های از استان تهران مانند ورامین، شهریار و... ملموس‌تر است. عوارض این معضل از زلزله ۸ ریشتری هم بیشتری خواهد بود.

راهکار چیست؟

به‌طور قطع با مطالعه و آمایش سرزمین باید منافع بلندمدت جایگزین منافع کوتاه‌مدت شده و با استفاده از تجربه کشورهای دیگر مانع گسترش خشکسالی در کشور شویم.

در بحث صنایع آلاینده نیز باید با استفاده از تجهیزات و فناوری نو درصد آلودگی این صنایع را به‌حداقل برسانیم. در این‌باره کشورهای زیادی برنامه‌ریزی داشته و به‌نتیجه رسیده‌اند که با استفاده از تجربیات آنها می‌توانیم معضل بی‌آبی را پشت‌سر بگذرانیم.

فولاد متهم اشتباهی در جنجال‌های آبی

مرضیه احقاقی: **فعالیت در بخش معدن و صنایع معدنی به الزاماتی نیاز دارد که از جمله مهم‌ترین آنها باید به آب اشاره کرد. این الزام در کنار بحران کم‌آبی و در مواردی بی‌آبی موجب شده فعالیت بسیاری از صنایع همچون فولاد نیز موردانتقاد قرار گیرد. فعالان صنایع فولادی کشور ضمن پذیرش و انتقاد به احداث صنایع در مناطق خشک و کویری کشور تاکید دارند که بسیاری از صنایع براساس جانمایی درست احداث شده‌اند. در همین حال مصرند که بحران‌های آبی کشور از چالش‌های کلان‌تری نشأت می‌گیرد. در این میان، آدرس‌دهی اشتباه نه‌تنها کمکی به رفع بحران آبی کشور نمی‌کند، بلکه ما را از مسیر اصلی خود نیز دور خواهد کرد.**



عکس: آیدا فریدی

فولاد صنعتی با آب‌بری محدود



امین ابراهیمی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان در گفت‌وگو با صمت اظهارکرد: متاسفانه هرگاه سخن از کمبود برق، آب و حتی گاز به میان می‌آید، آدرس‌دهی اشتباه می‌شود و انگشت اتهام به سمت صنایع فولاد نشانه می‌رود. این در حالی است که میزان مصرف برق در صنعت فولاد معادل ۱۰ درصد مصرف این انرژی در سایر صنایع برآورد می‌شود. آب‌بری صنعت فولاد نیز تقریبا ۰.۲ درصد میانگین مصرف سایر صنایع گزارش شده است. میانگین مصرف گاز نیز در این صنعت مادر حدود ۷ درصد مصرف سایر صنایع است؛ بنابراین جایگاه فولادسازی در حوزه آب، برق و گاز رقم پایینی است. در همین حال باید خاطرنشان کرد براساس آمار و ارقام مصرف آب در صنعت فولاد به مراتب عدد پایینی است اما این آدرس‌دهی‌های اشتباه زمینه سیاست‌گذاری‌های اشتباه را فراهم می‌کند. ابراهیمی افزود: علاوه بر این، صنایع فولاد در طول سال‌های گذشته اقدامات ویژه‌ای را برای بهینه‌سازی مصرف آب ترتیب داده‌اند، از جمله آنکه تصفیه‌خانه‌هایی را احداث کرده و بخشی از آب موردنیاز خود در مسیر تولید را با تصفیه پساب‌های شهری تامین می‌کنند. وی خاطرنشان کرد: بیشترین مصرف آب کشور درحال‌حاضر به بخش کشاورزی تعلق دارد، چراکه همچنان کشاورزی با روش‌های سنتی در حال انجام است و لزوم بازنگری در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

توسعه در مسیر اشتباه

مدیرعامل فولاد خوزستان گفت: براساس نقشه استراتژیکی که ایمیدرو برای توسعه صنعت فولاد در سال ۱۳۹۳ منتشر کرد، بهترین مکان برای احداث صنعت فولاد در ایران اطراف آب‌های آزاد و منطقه خوزستان تعیین شد، چراکه خوزستان از یک‌سو به بنادر نزدیک است و از سوی دیگر، دسترسی قابل‌قبولی به حامل‌های انرژی و آب دارد. با این وجود شاهد هستیم که در فلات مرکزی ایران، صنعت فولاد توسعه پیدا کرده است. این توسعه از یک‌سو دسترسی به آب را برای این صنایع دشوار و هزینه‌بر می‌کند و از سوی دیگر، صادرات محصول نهایی از این منطقه صرفه اقتصادی ندارد. سرانه مصرف فولاد در کشور در حال‌حاضر حدود ۲۰۰ کیلوگرم به‌ازای هر نفر برآورد می‌شود و انتظار می‌رود این رقم در افق ۱۴۰۴ به ۴۰۰ کیلوگرم به‌ازای هر نفر افزایش یابد. در همین حال با توجه به هدف تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در این سال، انتظار می‌رود حدود ۲۰ میلیون تن از این محصول صادر شود. در چنین شرایطی، شرکت‌های فولادی که در مجاورت آب‌های آزاد قرار دارند، همچون فولاد خوزستان و فولاد هرمزگان، از مزیت ویژه‌ای برای صادرات برخوردار هستند، چراکه هزینه حمل‌ونقل صادراتی آنها به مراتب پایین‌تر است. در ادامه باید خاطرنشان کرد شرکت‌های معدنی که در مناطق مرکزی و خشک کشور قرار گرفته‌اند، وظیفه تامین مواد اولیه برای سایر حلقه‌های زنجیره فولاد را بر عهده دارند؛ اما به جای توسعه فعالیت‌های معدنی به احداث واحدهای فولادی روی آورده‌اند. در همین حال شاهد هستیم که این شرکت‌ها برای تامین آب موردنیاز خود اقدام به انتقال آب کرده‌اند.

هزینه آب مصرفی این صنایع ۲.۵ تا ۳ یورو به‌ازای هر مترمکعب برآورد می‌شود، درحالی که این رقم در مجموعه فولاد خوزستان به مراتب کمتر است. درنتیجه چنانچه تمام امتیازات و یارانه‌های اختصاص‌یافته به صنایع حذف شود، این واحدها از عهده تامین هزینه‌های خود و رقابت در بازار درنخواهند آمد و این سرمایه‌گذاری‌ها منتج به شکست خواهد شد. ابراهیمی در پاسخ به سوالی درباره ارزیابی مصرف آب صنایع براساس استانداردهای بین‌المللی، گفت: بدون تردید راهکارهای متعددی برای کاهش مصرف آب در صنعت فولاد وجود دارد. میزان مصرف آب در صنعت فولاد کمتر از سایر صنایع است، با این وجود، می‌توان با بازچرخانی آب، در مسیر بهبود شرایط گام برداشت.

در همین حال فولادسازان باید با احداث تصفیه‌خانه‌های شهری بخشی از نیاز خود را از این طریق تامین کنند تا از هدررفت آب جلوگیری شود. علاوه بر این، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید نیز در این مسیر کمک‌کنند خواهد بود. با این وجود باید تاکید کرد که آدرس‌دهی غلط آسیب‌های غیرقابل جبرانی به صنایع فولاد وارد می‌کند. صنعت فولاد در رده صنایع مادر کشور قرار دارد و این آدرس‌دهی اشتباه تاثیر خود را بر سایر صنایع نیز نشان می‌دهد. کما اینکه شاهد چنین اشتباهاتی در حوزه برق نیز بودیم. در واقع در سایه چنین فضایی سیاست‌های اشتباهی اتخاذ و ضربه‌هایی به حوزه اقتصاد وارد خواهد شد.

شناخت مقصر، گام نخست اصلاح



بهادر احرامیان، عضو هیات مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران در گفت‌وگو با صمت اظهارکرد: بررسی آمار و ارقام مصرف آب در کشور مبین وضعیت موجود است و علت اصلی بحران کم‌آبی را در کشور مشخص می‌کند.

براساس آمارهای منتشرشده از سوی مراجع رسمی، عمده مصرف آب کشور به کشاورزی تعلق دارد و در این میان، سهم صنعت و تولید فولاد از مصرف آب کشور بسیار محدود برآورد می‌شود؛ بنابراین مقصر دانستن صنایع و فولادسازان برای توجیه بحران کم‌آبی در کشور اشتباه است.

در چنین شرایطی، راهکار درست برای بهبود کمبودهای آبی، اصلاح نظام آبیاری در بخش کشاورزی است.

احرامیان در ارزیابی احداث واحدهای فولادی در مناطق خشک کشور گفت: در همین استان‌های کم‌آب، شاهد کشت برنج یا یونجه به روش غرق‌آبی هستیم؛ بنابراین بحران کم‌آبی حتی در مناطق خشک کشور نیز از روش‌های اشتباه کشت و کشاورزی نشأت می‌گیرد. علاوه بر این، ارزش‌افزوده تولید در حوزه صنعت و فولاد به‌مراتب بیشتر از محصولات کشاورزی یادشده است.

وی در پاسخ به سوالی مبنی بر اهمیت اصلاح الگوی آب در صنایع و به‌ویژه از سوی فولادسازی‌ها گفت: بدون تردید اصلاح و ارتقای سطح مصرف آب در صنایع نیز ضروری به نظر می‌رسد؛ هرچند بسیاری از فولادسازان در طول این سال‌ها در مسیر کاهش مصرف آب، بازچرخانی آن و همچنین استفاده از پساب‌ها و... گام برداشته‌اند. این فعال صنعت فولاد در پایان اظهارکرد: چنانچه برای رفع چالش کم‌آبی بر همین مسیر اشتباه و متهم کردن صنایع اصرار شود، نتیجه‌ای جز از بین رفتن منابع کشور را به‌دنبال نخواهد داشت.

سخن پایانی

ایران کشوری خشک است و کم‌آبی هر سال قوی‌تر از گذشته ما را تهدید می‌کند؛ بنابراین انتظار می‌رود فعالیت صنایع همگام با تدوین الگوهای مناسبی برای مصرف آب و مدیریت پساب باشد و فرآیندهای بازیافت آب در واحدهای صنایع معدنی بیش از پیش موردتوجه قرار گیرد.

آگهی شناسایی شرکت‌های مشاور تکنیک ارزش

وزارت راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی

سازمان بنادر و دریانوردی به استناد بند "ه" ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات (آیین نامه خرید خدمات مشاوره- موضوع مصوبه شماره ۱۹۳۵۴۲/ت ۴۲۹۸۶ک مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱ هیات محترم وزیران) جهت ارزیابی کیفی مهندسان مشاور و تهیه لیست کوتاه از مهندسان مشاور ذیصلاح بندر سازی و سازه های دریایی که تجربه در زمینهٔ تکنیک ارزش (برنامه ریزی، مهندسی، مدیریت و تحلیل ارزش) به شرح سند ارزیابی دارا باشند، دعوت به عمل می آورد.

لذا به منظور دریافت اسناد ارزیابی کیفی حداکثر به مدت ۷ روز پس از درج آگهی به سایت (www.iets.mporg.ir) مراجعه و پس از تکمیل اسناد ارزیابی کیفی، مدارک مورد نیاز را حداکثر به مدت ۱۴ روز پس از پایان مهلت تعیین شده، به دبیرخانه مرکزی سازمان بنادر و دریانوردی به آدرس "تهران- بزرگراه شهید حقانی- بعد از چهار راه جهان کودک- خیابان دکتر شهیدی- سازمان بنادر و دریانوردی" تحویل نمایند.

شناسه آگهی ۱۱۶۷۴۰۸ | م الف ۱۵۱۳

شناسه ۱۱۶۸۷۰۲

آگهی فراخوان

شرکت شهرکهای صنعتی فارس

شرکت شهرک‌های صنعتی فارس در نظر دارد مناقصه عمومی به شماره ۲۰۰۰۰۰۱۰۵۴۰۰۰۰۲۱ و ۲۰۰۰۰۰۱۰۵۴۰۰۰۰۲۲ و ۲۰۰۰۰۰۱۰۵۴۰۰۰۰۲۳ را به شرح ذیل به روش یک‌مرحله‌ای وفق قانون برگزاری مناقصات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۰/۰۵/۰۲ می‌باشد.

ردیف	موضوع	رتبه	مبلغ برآورد	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه	مدت (ماه)	محل تامین اعتبار
۱	انجام عملیات حفاظت، نگهداری، زیباسازی و نظافت (فضای سبز، بلوارها، میادین، خیابان‌ها، معابر، پیاده‌روها، جوی‌ها، جداول، اینماها و کلیه ساختمان‌ها و تاسیسات موجود) در شهرکها و نواحی صنعتی منطقه۱ (شمال استان)	اداره کار و امور اجتماعی (پایه خدمات عمومی و خدمات فضای سبز)	۱۸,۷۸۷,۲۱۴,۴۰۰	۹۳۹,۵۰۰,۰۰۰	۱۲	جاری
۲	تجدید مناقصه پروژه تکمیل خرید و اجرای شبکه گاز منطقه ویژه کازرون	۵ تاسیسات و تجهیزات با نفت و گاز	۱۳,۶۵۱,۵۳۲,۵۰۰	۶۸۳,۰۰۰,۰۰۰	۳	جاری
۳	تجدیدمناقصه پروژه ساختمان اداری شهرک‌صنعتی جهرم	۵ ابنیه	۱۲,۱۹۹,۴۱۱,۳۱۳	۶۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۶	جاری

۱. زمان دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ۱۴۰۰/۰۵/۰۲ لغایت ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

۲. آخرین مهلت تسلیم پیشنهاد: در سامانه تدارکات ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۷ و فیزیکی پاکت الف (ضمانت‌نامه) ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۷ دبیرخانه شرکت

۳. زمان بازگشایی پاکت‌ها: سه‌شنبه ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌های الف: آدرس: شیراز- بلوار زند- روبه‌روی دانشکده پزشکی- شرکت شهرک‌های صنعتی فارس تلفن: ۳۲۳۶۰۵۷۰

اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نامه سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت‌نام/ پروفایل تامین‌کننده/ مناقصه‌گر» موجود است.

م الف ۳۴۳۶ | روابط عمومی شرکت شهرکهای صنعتی فارس





یادداشت

یک‌جای کار می‌لنگد



آلبرت بغزیان
استاد دانشگاه

بحران اخیر خوزستان دوباره بحث‌ها را حول چرایی ایجاد برخی مشکلات کشور دامن زده است. در میان این بحث‌ها، علل گوناگونی بیان‌شده که پرداختن به هر کدام از آنها از زاویه تخصصی می‌تواند راهگشا باشد. در میان این بحث‌ها، مسئله صنایع بزرگ و مادر هم دوباره مطرح شده است. این صنایع در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته جهان، تخته پرش پیشرفت و موفقیت بودند اما در ایران به‌عنوان عامل ایجاد مشکلات شناخته می‌شوند.

بدون اینکه نیاز باشد وارد مقوله‌های آماری شویم، نخستین پرسش این است که آیا در زمان اجرای یک طرح، جوانب امر به‌درستی سنجیده شده است؟ به‌طور مثال، هنگامی‌که اقدام به ایجاد یک کارخانه در بخش صنایع بالادستی شده، چقدر به مزیت‌های منطقه‌ای این صنایع توجه شده است؟ از جمله دلایلی که یک منطقه برای ایجاد یک کارخانه بزرگ، توجیه‌مند می‌شود، توانایی بومی آن سرزمین برای تامین نیازهای این بنگاه است؛ یعنی قبل از ایجاد بنگاه باید جایابی و مباحث مربوط به آن با دقت حداکثری بررسی شود.

در کشور ما اما این اتفاق نه‌تنها رخ نداده، بلکه به صورت معکوس عمل شده است؛ یعنی مسئولان به جای آنکه جایابی درستی انجام دهند، به مناطقی کارخانه‌ها را اختصاص دادند که توان نفوذ بیشتری در نظام تصمیم‌گیری داشتند. البته این تصمیمات در ابتدا به سود آن منطقه ارزیابی می‌شود، چراکه ایجاد یک بنگاه بزرگ خودبه‌خود به معنای پایداری اشتغال در منطقه هم خواهد بود اما این‌ها اثرات کوتاه‌مدت است و آنچه می‌ماند انواع و اقسام مشکلات زیست‌محیطی است. استان خوزستان هم دچار مشکل شده و کاش تنها همین استان دچار این مشکل بود. به استان کرمان به‌عنوان یکی دیگر از استان‌های غنی بنگرید؛ در این استان انواع صنایع مادر را به مرحله بهره‌برداری رساندند. استانی که در تامین آب شرب خود، دچار مشکل است و باید نیازهایش را گاه از طریق منابع دیگر تامین کند، به میزبان بزرگ صنایع کشور تبدیل شد. ادعا می‌کنند که این اقدام به‌دلیل نزدیکی بنگاه به معادن بود. اما مگر تولید تنها نیازمند مواد اولیه است؟ برق و آب یک بنگاه را هم باید تامین کنند. حتی در تامین برق این بنگاه‌ها هم صنایع به سمت خودکفایی نرفتند و از برق موجود در کشور با حداقل نرخ استفاده کردند. پس در نهایت، هم بی‌آبی آوردند و هم بی‌برقی.

اینکه سرمایه‌گذار باید سرمایه‌گذاری کردهو بخشی از نیازهای بنگاه‌های خود را تامین کند، شکی نیست اما در ایران سرمایه‌گذاران چنین نمی‌کنند و درحالی‌که سود خود را با هیچ‌کس شریک نمی‌شوند اما از دولت انتظار نهایت همکاری و تسهیلات ارزان را دارند.

دردناک‌تر آنکه ما قصد نداشتیم وارد یک مسیر متفاوت با کشورهای دیگر شویم که این‌همه انحراف پیداشده است، ما قصد داشتیم از میان کشورهای درحال‌توسعه به کشوری توسعه‌یافته تبدیل شویم؛ یعنی پا در مسیری گذاشتیم که لااقل پیش از ما کشورهایی آن را پیموده و شکست‌ها و پیروزی‌هایی را هم به ارمغان آورده بودند. اما سیاست‌گذاران ایران به‌جای استفاده از این تجارب به اختراع چرخ دست زدند. این مسیر توسعه را پیچیده و گران‌تر خواهد کرد. این امر با خود انحرافاتی به همراه دارد که جبران هر کدام از آنها نیاز به‌صرف منابع فراوانی در کشور دارد. مجموعه مشکلاتی که در اعتراضات خوزستان خود را نشان داد، محصول ناکارآمدی‌هایی است که نهادهای نظارتی باید با دقت آن را دنبال کنند. مشکلات موجود در کشور فقط ناشی از قصور نیست و رسیدگی به آنها بدون برخورد با مسببان و عوامل ایجاد آن، امری محال خواهد بود. اینکه مشکلات هر سال ادامه دارند و با کمترین سرعت نسبت به رفع آنها اقدام می‌شود، بیانگر آن است که مسئولی در جایی خود را به خواب‌زده است. باید بررسی کرد چه مشکلاتی وجود داشته که سدهای کشور به زیان کشور عمل می‌کنند. باید ایرادی باشد و به قول قدیمی‌ها یک جای کار بلنگد که صنایع مادر نه‌تنها به توسعه اقتصاد منجر نشد، بلکه تولید را هم رانتی کرد.

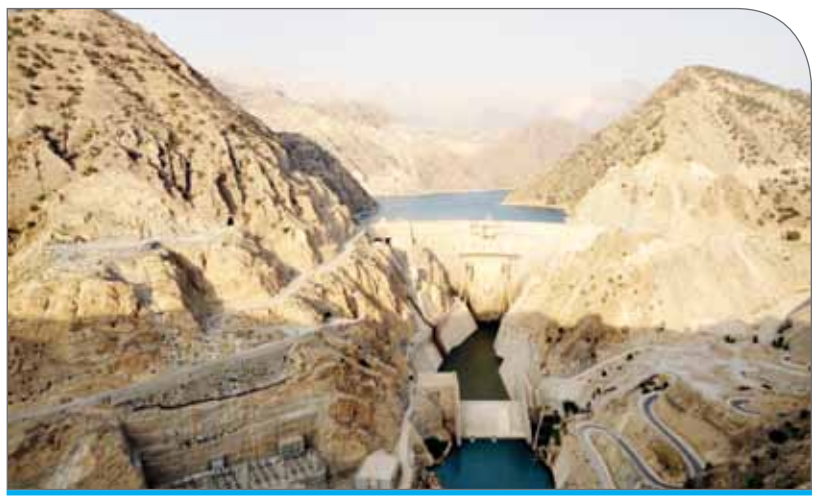
صمت دلایل بی‌آبی گسترده در مناطق جنوب‌غربی کشور را بررسی کرد

انتقال آب به قیمت تشنگی خوزستان

سهند اینانلو
editor@smtnews.ir

طرح‌های انتقال آب که از دهه ۹۰ میلادی به این سو موردتوجه حکومت‌های خاورمیانه (به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج‌فارس) قرارگرفته در فلات ایران نیز به اجرا گذاشته شده است. تقریبا هیچ کارشناسان محیط‌زیستی را نمی‌توان یافت که از پیاده‌سازی چنین طرح‌هایی دفاع کند اما متاسفانه دولت‌ها در طول سالیان اخیر هر یک به‌گونه‌ای طرح‌های انتقال آب از خلیج‌فارس، دریای مازندران، رودخانه‌های پرآب و... را در دستور کار قرار داده‌اند که هر یک از این طرح‌ها بدون‌استثنا پیامدهای زیست‌محیطی گسترده‌ای را به‌دنبال داشته که در زمان اجرای این پروژه‌ها از سوی فعالان محیط‌زیستی پیش‌بینی‌شده بود اما مسئولان بدون در نظر گرفتن هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی، نظرات کارشناسانه را نادیده گرفته و این دست طرح‌ها را به اجرا گذاشتند.

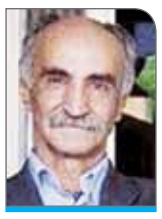
احداث سدهای متعدد روی رودخانه‌های پر آب و استراتژیکی مانند کارون، دز، کرخه، جراحی و... و انتقال منابع جمع شده پشت سدها نیز مصداق بارز اجرای پروژه‌های غیرکارشناسی و غیرعلمی است که این روزها شاهد نتایج دهشتناک آن در استان خوزستان هستیم. آنچه در اهواز، شادگان، سوسنگرد، ایذه و تالاب فوق‌العاده زیبای هورالعظیم شاهد آن هستیم، داستان پر آب چشم عملکرد غیراصولی و نابخردانه‌ای است که با رویای تحقق توسعه، دست به تخریب برگشت‌ناپذیر محیط‌زیست و برهم زدن تعادل اقلیمی مناطق مختلف کشورمان زده است. صاحب‌نظران بر این باورند آنچه این روزها در استان خوزستان شاهدیم حاصل عملکرد غلط ۲۰ سال اخیر است که باعث شده موجی از تشنگی و بی‌آبی مفرط این استان غنی و کهن کشورمان را درنوردد. البته مسئولان نیز توجیهاتی از جمله کاهش چشمگیر بارندگی در بهار ۱۴۰۰ و مواردی از این دست را مهم‌ترین عوامل بروز این بحران می‌دانند که از سوی اکتیویست‌های محیط‌زیستی به‌هیچ‌عنوان موردقبول نبوده است.



اجرای برخی از اقدامات غیرعلمی باکمال تاسف غیرقابل بازگشت هستند. شوربختانه بسیاری تصور می‌کنند سدسازی نشانه توسعه است و به همین دلیل هرجا که می‌رسند بلافاصله سدهای عظیمی می‌سازند که تنها بعد از یکی، دو سال بلای جان مردم و محیط‌زیست می‌شوند

برخی علاقه‌ای به رهاسازی آب ندارند، چون حقابه را به بخش‌های مختلف فروخته و تجارت بزرگ و پرسودی به راه انداخته‌اند و نیازی به رهاسازی هم نمی‌بینند

پیشرفت صنایع یا تخریب بی‌بازگشت اقلیم؟



اسماعیل کهرم، استاد باسابقه بوم‌شناسی با اشاره به وضعیت نامساعد استان خوزستان به صمت گفت: متاسفانه آنچه در استان دوست‌داشتنی خوزستان شاهد آن هستیم، داستان جدید و غیرقابل‌پیش‌بینی نبوده که حالا بخواهیم غافلگیر شویم. وی در ادامه افزود: سال‌هاست فعالان محیط‌زیستی و همچنین صاحبان فن و نظر پیرامون پیامدهای مخرب سیاست‌های نادرست در این استان هشدار می‌دهند اما کسی گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود.

کهرم با اشاره به سهم طرح‌های انتقال آب در بحران‌های اخیر، عنوان کرد: یکی از مخرب‌ترین طرح‌هایی که باعث شده خوزستان به این حال و روز بیفتد، مسئله انتقال آب در شمال استان است که با احداث سدهای متعدد تلاش کردند رودخانه‌های پرآب را مهار کرده و منابع عظیم آبی ذخیره شده در پشت سدها را به سمت استان‌هایی که با مشکل مواجه هستند، هدایت کنند.

وی ادامه داد: این در حالی است که منابع آبی استان‌های کم‌آبی مانند اصفهان به سمت سایر مناطق برده می‌شود. این بوم‌شناس با انتقاد از ایجاد زیرساخت‌های صنعتی بدون توجه به ظرفیت‌های زیست‌محیطی، بیان کرد: متاسفانه صنایعی در استان‌های کم‌آب و حتی بی‌آب کشور ایجادشده که با هیچ متر و معیاری قابل‌درک نیست.

برای مثال چه لزومی داشت در استان‌های مرکزی کشورمان صنایع فولاد داشته باشیم که نیاز به آب بسیار زیادی دارند؟

پیشکسوت حوزه محیط‌زیست به طرح‌های انتقال آب در جنوب و جنوب‌غرب کشور اشاره‌کرد و به صمت گفت: ما آب بهشت‌آباد را به سمت اصفهانی می‌بریم که زاینده‌رود آن به‌دلیل انتقال آب از این استان به استان یزد خشک‌شده است. در یزد هم شاهد کم‌آبی هستیم، چراکه همان آب صرف صنایع آلاینده‌ای شده که بدون بررسی درست و علمی در دل کویر ساخته شده‌اند.

این استاد محیط‌زیست ادامه داد: ما می‌توانیم صنایعی مانند فولاد و سیمان داشته باشیم اما پیش از هر چیز باید مکان‌سنجی دقیقی انجام دهیم. مثلا برای احداث چنین کارخانه‌هایی می‌توان در شهرهایی اقدام کرد که در نزدیکی دریا یا آب‌های آزاد هستند تا حداقل منابع آب شیرین کشور را صرف تولید این محصولات نکنیم.

وی با اشاره به رویکرد نادرست مدیران تاکید کرد: باید بدانیم که برخی از اقدامات نامعقول و غیرعلمی که انجام می‌شود باکمال تاسف غیرقابل بازگشت هستند. شوربختانه بسیاری تصور می‌کنند سدسازی نشانه توسعه است و به همین دلیل هرجا که می‌رسند بلافاصله سدهای عظیمی می‌سازند که تنها بعد از یکی، دو سال بلای جان مردم و محیط‌زیست می‌شوند.

کهرم در پایان خاطرنشان کرد: ما سدها را می‌سازیم تا منابع پشت سد را به سمتی که می‌خواهیم هدایت کنیم اما هیچ فکر و ایده‌ای برای مردم و محیطی که آن‌سوی سد زندگی می‌کنند نداریم و حاصل این رویکرد هم دقیقا همان می‌شود که در خوزستان شاهد آن هستیم.

رهاسازی آب پشت سدها کارساز است؟



محمد درویش، کویرشناس و فعال محیط زیست با اشاره به اظهارات مسئولان پیرامون بحران آب در خوزستان، به صمت گفت: در روزهای اخیر شنیده‌ایم که بحران کم‌آبی و بی‌آبی خوزستان را به مسئله کاهش بارندگی‌ها در بهار نسبت داده‌اند، در حالی که چنین اظهاراتی توجیهاتی است که نمی‌توان آنها را به‌عنوان دلیل ایجاد چنین وضعیتی پذیرفت. وی در ادامه افزود: وضعیت کنونی خوزستان، حاصل مجموعه‌ای از اقدامات و تصمیمات نادرست است که کار را به امروز کشانده، کسی نمی‌تواند این موارد را به گردن تحولات جوی و تغییرات اقلیمی بیندازد.

درویش به کاهش بارندگی در بهار سال جاری اشاره کرد و یادآور شد: درباره کاهش بارندگی‌ها تا حدودی می‌توان ادعای مسئولان را پذیرفت، چون واقعا میزان بارش در ماه‌های اخیر به شکل قابل‌توجهی افت کرده است اما باید توجه داشت که از زمستان سال گذشته پیش‌بینی می‌شد که با کاهش کم‌سابقه بارش‌ها مواجه شویم. وی ادامه داد: حتی می‌شنیدیم که گفته می‌شد کاهش بارندگی می‌تواند منجر به کاهش تولید برق و به‌دنبال آن خاموشی‌های گسترده در شهرهای بزرگ کشور شود که متاسفانه در هفته‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم.

این فعال سرشناس محیط‌زیست بر لزوم چاره‌اندیشی علمی و کارشناسی‌شده تاکید کرد و گفت: با این اوصاف، انتظار می‌رفت آقایان فکری به حال مناطق کم‌آب بکنند، نه اینکه استانی غنی و پر آب مانند خوزستان را به این حال و روز بیندازند که گاومیش‌هایی که بعضا تنها دارایی مردم هستند، برای زنده ماندن در گل‌ولای تلاش کنند که از دست گرمای کشنده مرداد جان سالم به در برند. این کویرشناس به مشکلات زیست محیطی جنوب‌غربی کشور اشاره کرد و به صمت گفت: ما در سال‌های اخیر شاهد بروز مشکلات عدیده‌ای در خوزستان بوده‌ایم؛ در تابستان مسئله بی‌آبی، در زمستان و پاییز آبگرفتگی‌های اهواز و شهرهای بزرگ استان، ریزگردها، آلودگی‌های صنایع نفت و... تنها تعدادی از آنهاست که منجر به عصبانیت مردم شده است. فعالان محیط‌زیستی استان هم بارها به سیاست‌های غلط مسئولان انتقاد کرده‌اند اما هیچ‌کس گوشش بدهکار نیست

وی در ادامه ضمن اشاره به موضوع رهاسازی آب، تصریح کرد: شنیده می‌شود که می خواهند با رهاسازی آب فعلا مسئله را حل کنند، این اقدام آغاز هم شده اما مشخص نیست چه میزان آب پشت سدها ذخیره شده و تا چند روز می‌تواند کفاف نیازهای استان پهناوری مانند خوزستان را بدهد.

درویش در پایان به انتقاد از عملکرد برخی مسئولان و مدیران پرداخت و خاطرنشان کرد: از سویی هم برخی آقایان علاقه‌ای به رهاسازی آب ندارند، چون حقابه را به بخش‌های مختلف فروخته و تجارت بزرگ و پرسودی به راه انداخته‌اند و نیازی به رهاسازی هم نمی‌بینند. هرچند اگر هم فکر می‌کنند با چنین اقداماتی می‌توانند مشکل خوزستان را حل کنند، سخت در اشتباه هستند. باید توجه داشت که مشکل مردم فقط بی‌آبی نیست، بلکه در شهرهای استان مردم به آب سالم هم دسترسی ندارند، یعنی حتی با رهاسازی هم هیچ تضمینی وجود ندارد که این معضل به کلی حل شود.

پافشاری بر اجرای طرح‌های غیرعلمی

اگر به اظهارات مقامات وزارت نیرو و مسئولان محلی در خوزستان و استان‌های هم‌جوار دقت کنیم، متوجه اصرار عجیب مدیران دولتی و حاکمیتی بر درست بودن طرح‌های انتقال آب می‌شویم.

برنامه‌هایی که با هدف احداث و تغذیه صنایع آلاینده‌ای مانند سیمان، فولاد، خودروسازی، پتروشیمی و... در مناطقی از کشور اجرا شده که حتی برای تامین آب آشامیدنی شهروندان در مضیقه هستند. البته این الگوی قرن بیستمی توسعه در ایران و کشورهای منطقه ریشه در تحولات سیاسی و اقتصادی جهان در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی دارد که حکومت وقت ایران نیز با احداث صنایع مادر (فولاد و ذوب آهن) در استان کم‌آبی مانند اصفهان نخستین گام در راه تخریب زیست‌بوم ایران‌زمین را برداشت.

اما شوربختانه با وجود تغییر و تحولاتی که بعدها شاهدش بودیم سیاست‌گذاری نابجا از سوی حکومت ایران نه‌تنها مورد بازبینی قرار نگرفت، بلکه با حرص و ولع وصف‌ناپذیری در راستای توسعه طرح‌های مخربی گام برداشته شد تا منابع آب سایر مناطق پرآب‌تر ایران را برای چرخاندن چرخ تولید این صنایع آلاینده و خسارت‌بار به استان‌های مرکزی کشورمان منتقل کنند.

به گواه کارشناسان برجسته محیط‌زیستی آنچه در خوزستان عزیز شاهد آن هستیم نتیجه همین رویکرد اشتباه بوده و کار را به‌جایی رسانده که گاومیش‌های هورالعظیم برای زنده ماندن مجبور به غلت زدن در بین گل‌ولای باقیمانده از روزهای پرآب هور شوند.

حال آنچه از تریبون‌های رسمی شنیده می‌شود نیز بر نگرانی‌ها افزوده، زیرا به نظر می‌رسد یگانه تمهیدی که برای حل این بحران در دست اجرا قرار گرفته، رهاسازی منابع پشت سدهای غول‌پیکر در شمال استان خوزستان است. اما به گواه کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه محیط‌زیست تصور حل مشکل از طریق رهاسازی آب بسیار ساده‌انگارانه است، زیرا گستردگی بحران به حدی است که رهاسازی چندروزه آب در این منطقه تنها اثر تسکینی مقطعی و گذرا دارد، از سویی هم کارشناسان معتقدند منابع آبی که توسط سدهای متعدد در این بخش ارز کشور ذخیره شده مشخص نیست تا چند روز امکان پوشش دادن بی‌آبی‌ها وجود خواهد داشت؟

احتمال تداوم خشکسالی تا زمستان

رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی با اشاره به اینکه دمای کشور امسال یک درجه سانتی‌گراد بیش از حد نرمال است، گفت: خشکسالی طی تابستان امسال تداوم پیدا خواهد کرد و احتمال می‌رود تا زمستان سال جاری نیز ادامه داشته باشد.

احد وظیفه در گفت‌وگو با ایسنا، ضمن بیان اینکه معمولا در فصل تابستان عمده بارش‌های کشور در دو نقطه شمال و جنوب تا جنوب‌شرق اتفاق می‌افتد و در سایر نقاط یا بارش نداریم یا اینکه بارش‌ها بسیار ناچیز و پراکنده است، اظهارکرد: تیرماه امسال در دو نقطه کشور یعنی در جنوب و جنوب‌شرق در استان‌های فارس، جنوب سیستان و بلوچستان، جنوب کرمان و هرمزگان و در نوار شمالی کشور بارش داشتیم.

وی در ادامه با اشاره به اینکه در مردادماه نیز بارش‌ها به همین ترتیب خواهد بود، گفت: بارش‌هایی که امسال به‌ویژه در جنوب‌شرق داشتیم، فراتر از حد نرمال بود اما بارش‌ها در شمال و شمال‌غرب کمتر از نرمال بود. با این حال، مقدار بارندگی تابستانی در ایران بسیار ناچیز و کمتر از ۱۰ درصد بارش سالانه است؛ بنابراین نباید تصور کرد که بارش‌های تابستانی می‌تواند خشکسالی را در برخی مناطق از بین ببرد. ضمن اینکه بارندگی‌هایی که در تابستان در بخش‌های جنوبی کشور رخ می‌دهد عمدتا در مناطق کوهستانی و مجاور دریا خواهد بود و عمده این بارش‌ها به‌صورت روان‌آب جاری و از دسترس خارج می‌شود.



وی درباره خشکسالی حاکم بر کشور اظهارکرد: در تعریف خشکسالی چند مبحث وجود دارد؛ خشکسالی هواشناسی، خشکسالی کشاورزی، خشکسالی هیدرولوژیکی و اثرات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن. ما در کشور اکنون در دوران خشکسالی هواشناسی، کشاورزی و هیدرولوژیکی به‌سر می‌بریم.

با توجه به اینکه به لحاظ هواشناسی بارندگی‌ها در کشور کمتر از نرمال بوده، از مدت‌ها پیش یعنی از زمستان سال گذشته وارد دوره خشکسالی هواشناسی شده‌ایم. در فصل بهار با عدم‌بارش و تداوم خشکسالی هواشناسی، خشکسالی کشاورزی رخ داد و پس از آن با ذوب شدن اندک ذخایر برفی در ارتفاعات، دوره خشکسالی هیدرولوژیکی نیز آغاز شد.

به گفته وظیفه، خشکسالی هیدرولوژیکی زمانی رخ می‌دهد که در پی کاهش ریزش‌های جوی، دبی و آورد رودخانه‌ها، منابع آب‌های زیرزمینی و مخازن پشت سدها از حد نرمال کمتر می‌شود و اثرات ناشی از کم بارش‌ها به‌تدریج در عدم‌تامین مناسب آب شرب، کشاورزی و صنعت مشخص می‌شود، همان‌گونه که امروزه در کشور شاهد آن هستیم.

وی در ادامه با اشاره به اینکه خشکسالی تا وقوع مجدد بارش‌ها در کشور ادامه دارد، خاطرنشان کرد: بارش‌ها در ایران معمولا در فصل پاییز آغاز می‌شود اما به‌نظر می‌رسد بارندگی‌های پاییز امسال دیرتر شروع شود.

تمام مدل‌های هواشناسی، اقلیم‌شناسی و پیش‌بینی‌های فصلی نشان می‌دهد بارندگی‌ها طی آبان و آذر سال جاری ضعیف‌تر از حد نرمال خواهد بود و پاییز کم‌بارشی در کشور پیش‌رو داریم.

وظیفه در پایان تصریح کرد: احتمال اینکه بارندگی‌های امسال کمتر از حد نرمال باشد، بالاست و حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد احتمال می‌دهیم بارش‌های پاییز کمتر از نرمال باشد. همچنین احتمال می‌دهیم حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد بارش‌ها در حد نرمال باشد. این احتمالات به‌طور قطع بسیار مهم و موثر خواهد بود، چراکه می‌توان براساس همین آمار و احتمالات برای اقدامات گوناگون در ماه‌های پیش‌رو برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کرد.

مافیای سدسازی قوی‌تر از دغدغه‌مندان محیط‌زیست

خوزستان تشنه است

چند سالی است تامین آب در استان خوزستان و در ماه‌های گرم سال به بحران بدل می‌شود. بحرانی که در پی موجی از اعتراضات مردمی، راه‌حلی فوری و نه قطعی و اساسی برای آن اندیشیده شده، سپس به فراموشی سپرده می‌شود تا این معضل از دریچه دیگری به زندگی مردم راه پیدا کند. خوزستان پای‌آب رودهای بسیاری است که از زاگرس سرچشمه می‌گیرند. این منطقه از دیرباز به‌واسطه آب فراوان و خاک حاصلخیزش، مکان ایده‌آلی برای کشاورزی و دامداری بوده است. حال این سوال مطرح است که اقدامات انسان‌ها برای گام برداشتن در مسیر توسعه خیالی چه بر سر این منطقه آورده که آب یکی از مطالبات اصلی آنها شده است. برای بررسی چالش‌های حاکم بر این منطقه با فعالان محیط‌زیستی و افرادی که در طول این سال‌ها به‌طور مداوم نسبت به این شرایط هشدار داده‌اند، گفت‌وگو کرده‌ایم. با صمت همراه باشید.



مرضیه احقاقی
editor@smtnews.ir

بحران مدیریت منابع آبی



حسین آخانی، فعال محیط‌زیست و استاد دانشگاه تهران در گفت‌وگو با صمت و در پاسخ به سوالی درباره دلایل اصلی وجود مشکل آب در استان خوزستان و تاثیر سدسازی و انتقال آب رودهای منتهی به این استان در پیدایش این چالش، گفت: ما در استان خوزستان با مشکل کمبود آب روبه‌رو نیستیم. خوزستان پای آب رودخانه‌هایی است که از زاگرس منشأ می‌گیرند و همواره در رده پرآب‌ترین استان‌های کشور قرار داشته است. چالشی که امروزه از آن با عنوان کم‌آبی یا بی‌آبی در خوزستان نام می‌بریم، منشأ انسانی دارد. کما اینکه در حال حاضر حدود ۱۷ میلیارد مترمکعب آب پشت سدهایی که به دشت خوزستان منتهی می‌شوند، ذخیره شده؛ بنابراین بحران کنونی را ساختار مدیریت آبی کشور ایجاد کرده است. این کارشناس محیط‌زیست در ادامه افزود: متاسفانه سیاست‌گذاری‌های اشتباه و تصمیم‌گیری‌های غلط در طول سال‌های گذشته، زمینه وارد آمدن لطمات غیرقابل جبرانی را محیط‌زیست را فراهم کرده است. با احداث سد در منطقه آذربایجان زمینه خشکی دریاچه ارومیه را فراهم کرده‌اند. با احداث سد در فارس باعث خشکی دریاچه بختگان و تشک شده‌اند. با احداث سد در کرمان، جازموریان را خشک کرده‌اند و این دست اقدامات اشتباه در استان‌های مختلف ادامه دارد.

وی تاکید کرد: از آنجاکه رودخانه‌های متعددی به استان خوزستان سرازیر می‌شوند، سدسازی و انتقال آب با شدت بیشتری روی رودهای منتهی به این استان انجام شده و اکنون شاهد این بحران هستیم.

▣ نگرشی غلط به توسعه

آخانی اظهار کرد: در کشور با نگرشی اشتباه به روند توسعه روبه‌رو هستیم. من از این نگرش اشتباه با عنوان فلسفه امریکایی یاد می‌کنم. یعنی ما از روند توسعه‌ای که در نیمه نخست قرن بیستم در امریکا آغاز شد، تبعیت می‌کنیم. در آن دوره این‌طور گمان برده می‌شد که باید روی هر رودخانه‌ای سد احداث کنیم و مدیریت آن را به دولت یا بخش خصوصی بسپاریم. این نگاه توسعه‌ای در ایران پیش از انقلاب آغاز شد و در طول ۴۰ سال گذشته نیز ادامه داشته است. درواقع در ۴۰ سال اخیر بدون توجه به ساختار آب و هوایی کشور، پروژه‌های متعدد سدسازی و انتقال آب اجرایی شدند. اجرای این دست پروژه‌ها منافع قابل توجهی را برای شرکت‌هایی که درگیر مشاوره و احداث این سدها بودند، دربرداشت. عمده شرکت‌های سدساز در ایران نیز دولتی، نیمه‌دولتی یا وابسته به نهادهای قدرتمند بودند و بدین ترتیب کسی نتوانست مانع اجرای پروژه‌های متعدد موردبحث شود. در این میان، هرگاه منتقدان و فعالان محیط‌زیست نسبت به پیامدهای سدسازی‌های مداوم و انتقال آب هشدار دادند، به بی‌سوادی و نداشتن تخصص متهم شدند. اما چنین چالش‌های محیط‌زیستی برای ما از ابتدا مسجل بود و بارها نسبت به وقوع آنها هشدار داده بودیم. آخانی درباره از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری در طول سال‌های گذشته به‌دنبال دستکاری‌های قابل توجه و غیراصولی انسان در طبیعت و سدسازی‌های خارج از قاعده، گفت: متاسفانه در این سال‌ها شاهد از میان رفتن انواع پوشش‌های گیاهی بوده‌ایم. این معضل تنها در خوزستان نیست و در بسیاری از رودهای منتهی به سایر سدهای کشور یا تالاب‌ها نیز مشاهده می‌شود.

▣ گنوند، پروژه‌ای از پیش شکست‌خورده

وی در پاسخ به سوالی درباره ارزیابی احداث سد گنوند و انتقادهایی که به ساخت آن وارد است، افزود: این سد در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد آب‌گیری شد، در حالی که انتقادهای قابل توجهی به افتتاح آن وارد بود و بسیاری از فعالان محیط‌زیستی این اقدام را اشتباه می‌دانستند و نسبت به معضلات محیط‌زیستی آن هشدار داده بودند. بااین‌وجود، مسئولان حاضر به پذیرش این انتقادها نشدند. این سد روی یک گنبد نمکی احداث‌شده است. نمک با آب‌گیری سد در آب حل خواهد شد و آب شیرینی که پشت سد وجود دارد به شور به تبدیل می‌شود. کما اینکه این اتفاق افتاد، پس از آن، مسئولان به‌دنبال راه‌حلی برای رفع این مشکل بودند اما هیچ‌کدام از راهکارهای ارائه‌شده کارآیی نداشتند. بهترین راه‌حل مشکل سد گنوند، پذیرفتن اشتباه در احداث این سد، باز کردن خروجی‌های آن، تخلیه و استفاده نکردن مجدد از این سد برای آبگیری است. در چنین شرایطی برای آنکه EC آب (پارامتری برای سنجش میزان نمک محلول در آب است) در حد استاندارد بماند، ناچارند همیشه این سد را پر از آب نگه دارند. پر از آب نگه‌داشتن سد هیچ معنایی جز این ندارد که شما استان خوزستان را از آب شیرین محروم و این آب شیرین را به آب شور تبدیل کنید.

▣ فاجعه‌ای دیگر در راه است

آخانی در ادامه اظهار کرد: متاسفانه مانند این اشتباه در سد چم‌شیر (واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد) در حال اجرایی شدن است. سد چم‌شیر در فاصله ۲۵ کیلومتری گچساران و روی گنبد نمکی در حال احداث است. سدی که ۲.۳ میلیارد مترمکعب ظرفیت ذخیره آب دارد، دوباره به گنوند دیگری بدل خواهد شد. در واقع ما با تصمیم‌گیری‌های پشت پرده‌ای روبه‌رو هستیم که حیات طبیعت را به مخاطره انداخته‌اند. احداث و اجرای این گونه پروژه‌ها با هدف‌های سیاسی و نه تصمیمات کارشناسی اجرایی می‌شود.

▣ تامین برق یا آب؟

وی افزود: با توجه به چالش‌های کنونی، اکنون بهترین زمان برای از مدار خارج کردن سد گنوند است تا بدین ترتیب دشت خوزستان پر آب شود. منتها یک خانه خالی در این پازل وجود دارد که باید پر شده و مشکلات آن برطرف شود. یکی از دلایل اصلی احداث این سد، ساخت نیروگاه برق آبی است. در شرایطی که کشور با بحران برق روبه‌رو است، خارج شدن سد گنوند از مدار، بحران جدیدی ایجاد می‌کند. در نتیجه تصمیم‌گیران در سطح کلان بین تامین برق و آب باید یکی را انتخاب کنند. به اعتقاد من در نهایت تامین برق را به آب ترجیح خواهند داد. ریشه اصلی این مشکلات از آنجا نشأت می‌گیرد که دستگاه دیوان‌سالاری حاکم بر وزارت نیرو یا تصمیم‌گیرندگان در سطح کلان کشور هنوز به این باور نرسیده‌اند که دنیا به سمت بهره‌گیری از انرژی‌های پاک گام برمی‌دارد و از این چنین روش‌هایی برای تولید برق که پیامدهای قابل توجهی را برای طبیعت دارد، دوری می‌کند.

در واقع نظام مدیریت آب کشور ساختار سنتی حاکم بر بهره‌برداری از ظرفیت‌های آبی کشور را با اختصاص بودجه‌های کلان تغییر داد. به‌طور متوسط سالانه ۴ تا ۶ میلیارد دلار از بودجه کشور صرف سدسازی شده است. در چنین شرایطی، ساختار عریض و طویل و قدرتمندی برای سدسازی شکل گرفته است. این ساختار قدرتمند به دولت و مجلس فشار می‌آورند که ساخت سدهای جدید را تصویب کنید؛ بدین ترتیب این چرخه معیوب و بیمار همچنان در کشور ادامه می‌یابد. آخانی در پایان تاکید کرد: چالش تامین آب خوزستان در حوزه‌های گوناگون گسترده شده و پیامدهای بسیاری را به‌دنبال داشته است؛ بنابراین درمان آن از عهده یک فرد برنمی‌آید و به‌آسانی ممکن نیست. البته بدون تردید راه‌حل‌هایی برای رفع ریشه‌ای این مشکل یافت می‌شود اما گویی اراده‌ای برای رفع ریشه‌ای این مشکل در بدنه حاکمیت وجود ندارد.

> با توجه به چالش‌های موجود، اکنون بهترین زمان برای از مدار خارج کردن سد گتوند است تا بدین ترتیب دشت خوزستان پر آب شود

ضرورت شناخت دقیق چالش خوزستان



حجت میان‌آبادی، فعال محیط‌زیست و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: تبیین دقیق چالش این روزهای خوزستان گام نخست در مسیر رفع این مشکل است. در چنین موقعیتی، ابتدا این سوال مطرح می‌شود که خوزستان با مشکل کم‌آبی، بی‌آبی یا کمیابی آب روبه‌رو است؟ در هرکدام از گزینه‌های مطرح‌شده تحلیل‌های متفاوت و راه‌حل‌های جداگانه‌ای برای رفع مشکلات وجود دارد. درنتیجه انتظار می‌رود نخست و در آغاز مسیر بیماری خوزستان به‌طور دقیقی روشن و مشخص شود.

وی در تشریح دقیق‌تر موضوع گفت: تبیین نوع بیماری ابتدای راه درمان است. در همین حال باید تاکید کرد که تشخیص نادرست بیماری، تاثیر منفی بر روند درمان دارد. با این‌وجود، هنوز ریشه‌یابی جامع و مورداجماعی بر سر مشکل خوزستان یا سیستان شکل نگرفته است. تنها هر بار بیماری خوزستان حاد می‌شود، مسکنی تزریق شده و سپس این چالش برای چند ماه به فراموشی سپرده می‌شود. به‌عنوان نمونه از مهر سال گذشته تا اردیبهشت امسال، چه میزان چالش کم‌آبی در خوزستان موردبحث و بررسی قرار گرفت؟ در واقع هر تابستانی که حال این بیمار وخیم و التهاب‌هایی در سطح جامعه پدید می‌آید، مسکنی تزریق می‌شود و این چرخه معیوب ادامه دارد. کما اینکه سال گذشته در خوزستان با چالش غیرانیه مواجه شدیم و به همین ترتیب، چالش موجود به‌طور دوره‌ای رفع شد تا امسال.

این فعال محیط‌زیست گفت: خوزستان دچار مشکل بی‌آبی نشده، چراکه درحال‌حاضر چند میلیارد مترمکعب آب پشت سدهای دز و کرخه و کارون داریم. یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که خوزستان دارد این است که مسئولان، رسانه‌ها، خبرگان و فعالان این حوزه، هنوز به‌طور اجماع‌وار نمی‌دانند که مشکل خوزستان دقیقا چیست؟

وی افزود: مشکلات خوزستان خطی و تک‌عاملی نیستند، بلکه می‌توان آنها را در یک ماتریس ۲ بعدی با ۳ سطر و ۵ ستون جای داد. این چالش‌ها در ۳ سطح محلی و استانی، ملی و بین‌المللی قابلیت بررسی دارند. در ستون‌های این ماتریس نیز موضوعاتی مانند آب شرب، آب کشاورزی، آب صنعت، انرژی و محیط‌زیست مطرح است؛ بنابراین در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، ۱۵ عامل در بحث مشکلات آبی خوزستان اثرگذار هستند و هرکدام از موارد یادشده باید به‌طور جزئی بررسی شوند.

متاسفانه عده‌ای درحال‌حاضر با جزئی‌نگری مشکات آب خوزستان را به گردن بخش کشاورزی می‌اندازند، عده‌ای سدسازی و انتقال آب را مقصر می‌دانند و این روند معیوب ادامه دارد. درحالی که انتظار می‌رود چالش یادشده به‌طور جامع بررسی شود.

▣ سدسازی بین‌المللی هم مقصر است

میان‌آبادی گفت: در سطح بین‌المللی سدسازی‌های گسترده ترکیه و عراق را هم در تبیین چالش خوزستان باید موردتوجه قرار دهیم. این بعد بسیار ساده این روزها مغفول مانده است. براساس اصول کنوانسیون بین‌المللی آب‌های فرامرزی موسوم به کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل، کشورهای ساحلی یا کرانه‌ای یک آبریز مشترک موظف هستند به رعایت ۲ اصل؛ نخست بهره‌برداری منصفانه و منطقی از آب‌های مشترک و در ادامه این بهره‌برداری باید به‌گونه‌ای باشد که به کشورهای پایین‌دست آسیب جدی وارد نشود. اما این کنوانسیون‌های بین‌المللی عمدتا برای کشورهایی که عضو آن معاهده، لازم‌الاجرا هستند.

به هر حال بخش‌هایی از مفاد برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی به اصول عرفی تبدیل شده‌اند. اما یکی از ضعف‌های این کنوانسیون‌ها سازکارهای اجرایی آنهاست. به‌ویژه برای کشورهایی که عضو این کنوانسیون‌ها نیستند. ایران و ترکیه عضو این کنوانسیون نیستند. البته ایران رای ممتنع به این کنوانسیون داده، با این‌وجود، تمام شرایط مانع این نمی‌شود که ترکیه به وظایف خود عمل نکند.

▣ بخشی‌نگری را کنار بگذارید

وی در ادامه افزود: بخشی‌نگری درباره چالش‌های حاکم بر روند تامین آب خوزستان در سال‌های اخیر شدت گرفته است. هر مجموعه و نهادی در قالب بخشی عمل می‌کند. هر بار یک چالش موردتوجه قرار می‌گیرد و سایر ابعاد پنهان می‌ماند. بدون تردید در احداث سد با افراط روبه‌رو بوده‌ایم هرچند نمی‌توان سدسازی را از اساس اشتباه دانست و باید تاکید کرد این‌گونه اقدامات تاثیر بسزایی بر روند مدیریت سیل دارند. من نه از عمل سدها دفاع می‌کنم و نه صد درصد آنها را رد می‌کنم.

در همین حال می‌توان ده‌ها مثال از عملکرد اشتباه کشاورزی در خوزستان نام برد؛ بااین‌وجود در چالش‌های اخیر هیچ صحبتی از وزیر جهادکشاورزی و مسئولیت این وزارتخانه در رفع این بحران به میان نمی‌آید؟ وزیر کشاورزی باید نسبت به کشت برنج و شلتوک در این منطقه پاسخگو باشد. چرا وزیر صنعت، معدن و تجارت در این بحران حضور ندارد؟ وزیر صنعت، معدن و تجارت باید نسبت به انتقال آب برای صنایع آب‌بر در کویر پاسخگو باشد. چرا رئیس سازمان محیط‌زیست در این عرصه حضور ندارد؟

تمام موارد یادشده حکایت از آن دارد که با بخشی‌نگری به این چالش نگاه می‌کنیم. درواقع مجموعه عواملی زمینه چالش کنونی خوزستان را فراهم آورده‌اند و تمامی این عوامل باید در کنار هم برطرف شوند. کما اینکه ۴ سال پیش نیز در خرمشهر و آبادان به‌دلیل کم‌آبی با همین چالش‌ها روبه‌رو بودیم اما در طول این سال‌ها هیچ راهکار اساسی برای رفع این مشکل اندیشیده نشده است. این فعال محیط‌زیستی گفت: ارائه راهکاری فوری و با ضرب‌الاجل برای این چالش، اشتباه است و تنها در آینده بر بار مشکلات این منطقه خواهد افزود. متاسفانه نگاه جامعه به حل مشکلات آبی، آمپول‌وار است؛ یعنی به‌دنبال راهکاری هستند که این چالش یک هفته‌ای برطرف شود؛ درنتیجه حال این بیماری سال به سال وخیم‌تر شده است.

نتیجه اقدامات بشر در ۱۰۰ سال اخیر که توهم توسعه داشته، آسیب‌های غیرقابل جبرانی به محیط‌زیست وارد و زمینه تغییراتی را در طبیعت فراهم کرده که اکنون شاهد نتایج آن هستیم. اقدامات بشر زمینه بروز سرطان‌های محیط‌زیستی را فراهم کرده که به‌راحتی درمان‌پذیر نیست. درمان این بیماری پیامدهای دارد.

این مشکلات تا زمانی که روند غلط گذشته اصلاح نشود، برطرف نخواهد شد؛ یعنی باید تجدیدنظر اساسی در مسیر توسعه انجام شود و مسیرهای اشتباه گذشته اصلاح شوند. بدون توجه به طرح‌های آمایش سرزمین، اصلاح احداث صنایع آب‌بر در کویر و همچنین بدون اصلاح الگوهای کشت، بدون تغییر در روند توسعه و... نمی‌توان این چالش‌ها را برطرف کرد. بااین‌وجود متاسفانه مسئولان و جامعه به‌دنبال درمان نیستند، بلکه به‌دنبال راهکارهای زودگذر و مسکن‌های قوی هستند. در چنین وضعیتی، نمی‌توان به بهبود شرایط امید داشت.

سخن پایانی

استان خوزستان از شمال و شرق توسط کوه‌های زاگرس احاطه شده است. رودهای پر آبی به جلگه خوزستان وارد می‌شود که در طول قرن‌ها آب موردنیاز مردم این خطه را تامین کرده است. در چنین شرایطی و باوجود بحران‌های آبی حاکم بر استان خوزستان که به‌زودی در سایر مناطق کشور نیز فراگیر خواهد شد، تنها می‌توان این‌طور اذعان کرد که توهم توسعه در طول سال‌های گذشته این منطقه را با بحران کنونی روبه‌رو کرده است. بحرانی که باید چاره‌ای اساسی برای آن یافت حتی اگر با هزینه‌های بالایی همراه باشد.

یادداشت

خوزستان امروز قضاوت کند



مجید سجادی پناه
استاد دانشگاه

توزیع آب در خوزستان با مشکل زیادی روبه‌رو بوده و هست. مردم شمال و جنوب این استان نمی‌توانند آب را با کیفیت یکسان دریافت کنند. وقتی هم که باران می‌بارد در آبادان آب با فاضلاب قاطی می‌شود. همه ما می‌دانیم که در این استان ۵ رودخانه کرخه، کارون، دز، جراحی و مارون جریان دارند. کارون، یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های ایران در این منطقه واقع شده و حتی قابل کشتیرانی است. روی این رودخانه خروشان سد گتوند ساخته شد؛ سدی که قرار بود آب رهاشده از سدهای کارون ۳ و شهید عباسپور را قبل از انتقال به خلیج‌فارس ذخیره کند و به‌صورت تنظیم شده در اختیار بخش کشاورزی قرار دهد و همچنین ۲۱۰۰ مگاوات برق را نیز تولید و ذخیره کند، اما با یک اشتباه مهندسی در جانمایی، سدی که می‌توانست باعث آبادانی خوزستان شود، این استان را با یک بحران زیست‌محیطی گسترده روبه‌رو ساخت. یعنی خوزستانی که میزبان بزرگ‌ترین رودخانه‌های ایران است با این اشتباه مهندسی با یک «ورشکستگی آبی» روبه‌رو شد و بخش اعظمی از آب خود را که از کارون تامین می‌کرد به این صورت از دست داد. مطالعات اولیه ساخت این سد عظیم قبل از انقلاب انجام شده بود، اما آنها بهترین مکان احداث سد گتوند را ۱۵ کیلومتر بالاتر از جایگاه فعلی سد پیش‌بینی کرده بود که متاسفانه کارشناسان سازنده سد برای راحتی دسترسی به مسیرهای ارتباطی، ۱۵ کیلومتر پایین‌تر آن را احداث کردند و این موجب شد کوه نمکی در داخل دریاچه سد قرار بگیرد. در زمان احداث، آقای پورمحمدی در قالب گزارش سازمان بازرسی هشدار داد که این کار، اشتباه و خطرناک است؛ بنابراین از آبگیری آن خودداری یا اگر آبگیری شده تخلیه کنند، اما کارشناسان دولتی و در رأس آن آقای احمدی‌نژاد اعلام کردند ما با استفاده از فناوری روز دنیا و با کمک دانشمندان کشور ایتالیا، سطح کوه نمکی را با عایقی از جنس شیشه و سیمان می‌پوشانیم تا نمک در آب سد حل نشود، اما متاسفانه کار جدی در این زمینه صورت نگرفت و عملا تخریب یا آبگیری نشدن بلندترین سد خاکی ساخته شده روی رودخانه کارون را که در مراحل پایانی ساخت نیز قرار داشت و تنها مدت کوتاهی تا آبگیری آن باقی مانده بود و همچنین باتوجه به اعتبارات میلیاردی که مصروف آن شده بود، به‌شکل بی‌ادبانه‌ای غیرممکن اعلام کردند و برای مشکل پیش آمده نیز درصدد برآمدند تا با ساخت یک پتوی رسی به‌عنوان دیواری حائل از برخورد آب با نمک‌های سازند گچساران جلوگیری کنند و بار دیگر بدون توجه به صحبت‌های کارشناسان استانی که ساخت این پتوی رسی را بی‌فایده می‌دانستند، این پروژه نیز آغاز و با صرف هزینه‌های کلان اجرا شد. کار ساخت سد گتوند و پتوی رسی در میان تمامی اعتراضات به اتمام رسید و با حضور احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری وقت، این پروژه آبگیری شد، اما تنها ۱۰ روز از آبگیری سد گذشته بود که خبر رسید شکاف‌هایی در پتوی رسی ایجاد و نمک‌های سازند گچساران وارد دریاچه سد گتوند شده و این آغازی بر مصائب استان خوزستان و رودخانه کارون بود. بیش از ۱۰۰ میلیون تن نمک در آب حل شد و رودخانه کارون را شور و زمین‌های کشاورزی در مسیر رودخانه را تبدیل به شوره‌زاری کرد که رهاورد آن، خشک شدن بیش از یک میلیون درخت نخل در این منطقه بود. محققان دانشگاه تهران در مطالعاتی برای رفع مشکل ۳ پیشنهاد ارائه کردند که نخستین پیشنهاد آنها این بود که از سد گتوند تا خلیج‌فارس به‌طول ۳۰۰ کیلومتر لوله‌گذاری انجام و آب سد به خلیج‌فارس منتقل شود. پیشنهاد دوم تبیین می‌کند که یک مسیر انحرافی به طول ۴۵ کیلومتر از پشت سد حفاری شود و با جلوگیری از ورود آب به دریاچه عملا سد غیرفعال و آب موجود به مرور زمان خشک شود. در پیشنهاد سوم گفته شد اطراف سد، دریاچه‌هایی ایجاد و آب شور سد به این دریاچه‌ها منتقل شود تا به‌مرور تبخیر شود و سد را تخلیه کند. هر ۳ پیشنهاد غیرعملیاتی بود و هزینه زیادی را می‌طلبید که عملاً از عهده دولت خارج بود؛ بنابراین سعی کردند زمان بخرند تا شاید بشود در آینده کاری برای حل این مشکل بزرگ انجام داد، اما متاسفانه اقدامی نه در آن دولت و نه در این دولت خسته آقای روحانی انجام نشد و عملا باعث شد مشکل با شدت و حدت بیشتری در ۱۰ سال بعد، یعنی در سال جاری ظهور و بروز یابد و کشور را وارد یک بحران سیاسی کند.

یکشنبه
۳ مرداد ۱۴۰۰- ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۲ - ۲۵ ژوئیه۲۰۲۱-شماره۱۸۴۶-پیاپی۳۱۶۴

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

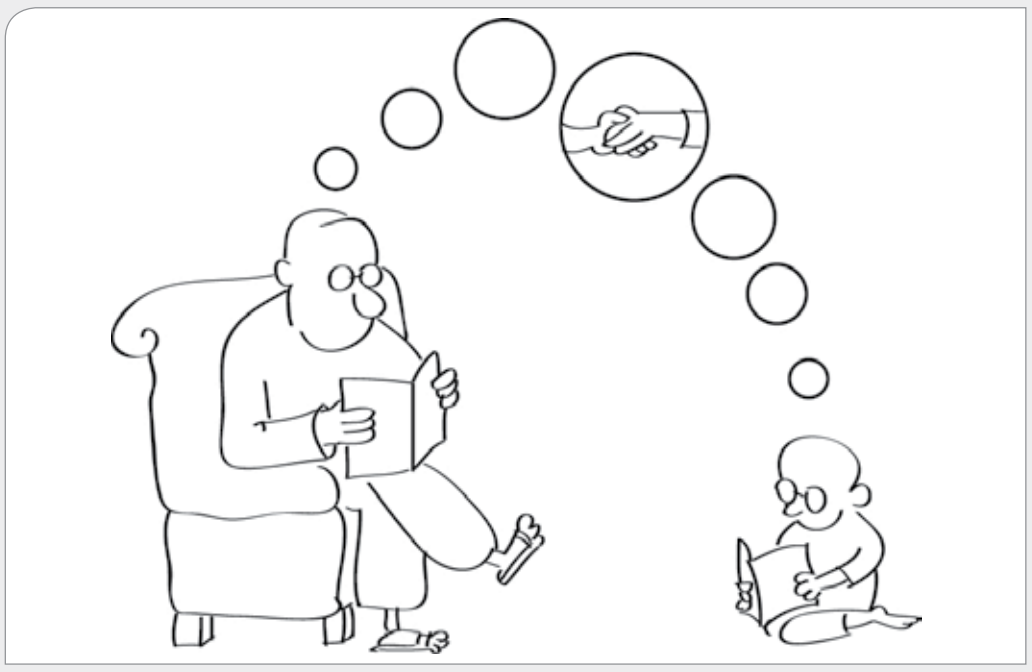
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»
مدیرمسئول: ناصر بزرگمهر
سردبیر:عاطفه خسروی

تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰- پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
سازمان آگهی‌ها: ۳-۸۸۷۲۲۷۳۲ -نمابر آگهی‌ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱-۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی -کوچه آزادگان شماره ۲۶ -کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir آگهی: ads@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: شرکت چاپ رواق روشن‌مهر

info@smtnews.ir www.smtnews.ir
instagram.com/smtnewspaper telegram.me/smtnews
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با ۶۳ امتیاز رتبه ۲ در میان روزنامه های تخصصی مقام ۱ در میان روزنامه های اقتصادی مقام ۲
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

بلایی که گتوند سر منطقه آورد



محمدجـواد عبداللهی- پژوهشـگر: ۲۰ سـال قبل از آنکه جانمایی سـد گتوند در سـال ۶۸ صـورت بگیـرد، امریکایی‌ها پیشـنهاد داده بودنـد ۲۰ کیلومتـر بالاتر از مخزن فعلی، سـد گتونـد احداث شـود، اما در آن سـال‌ها مدیران شـرکت مدیریت منابع آب و نیروی ایران بر این بـاور بودند کـه امریکایی‌ها چون می‌خواسـتند مخزن سد کوچک باشـد، این اختلاف مکانی را مطرح کردند؛ بنابراین تصمیم‌شـان بر این شـد کـه دریاچه سـد درسـت روی گنبدهای نمکی گچسـاران جانمایی شود. سال ۱۳۸۰ در نامه‌ای بـه اداره صنایع و معادن تاکیـد کردم مطالعات صورت گرفته روی این سـد کافی نیسـت. سال ۱۳۸۱ به‌همراه مهندس شمسایی، مدیرکل وقت آب و فاضلاب خوزستان مطرح کردم که این سد مشکلاتی دارد و می‌تواند کل استان خوزستان را از نظر شوری به مخاطره بیندازد.

شمسـایی بعدها رئیس سـد گتوند شد. به او توضیح دادم که اساسـا سازندگان سد مطالعات زمین‌شناسی منطقه را مدنظر قرار نداده‌اند. هیچ گزارشی از مطالعات زمین‌شناسی نداشتند. آقای شمسایی بعد از آن مشاوره، گروهی ۲۰ نفره برای مطالعات روی سد تشـکیل داد. گروه مطالعاتی آقای شمسایی در نخستین گزارش به او نوشتند «جلوی ضرر را هر جا بگیرید منفعت است». آقای مهندس شمسایی به‌عنوان رئیس اداره آب منطقه خوزسـتان آن زمان بـه تمامی مقامات مملکتی نامه نوشـت و از آنها خواسـت جلوی ساخت سد گرفته شـود. نامـه خطاب بـه رئیس‌جمهوری، وزیـر نیرو، مجلـس و مدیرعامل شـرکت آب و نیرو (شـرکت مجری)... ارسال شده بود. بعد از اینکه سـد سـاخته شد، از قضـا مهندس شمسـایی را که آن زمـان شـهردار اهواز بـود، به‌عنوان رئیس سـد انتخاب کردند! بعد از آن یکسری مشاوره از کشورهای مختلف و دانشگاه‌های ایران گرفتند و تصمیم بر این شد که پتوی رسی برای ایجاد فاصله میان لایه‌هـای ضخیم نمک و بسـتر دریاچه به‌وجود بیاید. رئیس سد با من تماس گرفت و پیشنهاد را مطرح کرد. آن زمان ۲۵۰۰ میلیارد تومان هزینه برای این سد صرف شده بود. من آن زمان یکی از منتقدان دائمی ساخت این سد بودم که صدایم به گوش کسی نمی‌رسید. باتوجه به تجربه و علمی که داشتم گفتم این کار با شکست مواجه خواهد شـد. روز آبگیری فرا رسـید و رئیس‌جمهوری وقت (محمود احمدی‌نژاد) و مدیرعامل شـرکت آب و نیـرو آمدنـد. آن روز با من تماس گرفتند و مـن به عوامل شـرکت آب و نیـرو گفتم هر چه ماشـین‌آلات در پایین‌دسـت پتوی رسی دارید جمـع کنید و به بالا بیاوریـد، چون اعتمادی به پایـداری این دیواره رسـی نیسـت و تا یکی دو روز آینده می‌شـکند و خسارت بیشتری به شما وارد می‌کنـد. این توصیه مـن را پذیرفتند و روز چهارشنبه آبگیری صورت گرفت.



روز شـنبه مسـئول همین بخش با من تماس گرفت و خبر شکسـته شدن پتوی رسی را داد و پرسـید چطور می‌دانستید؟ ۱۰روز بعد از اینکه عملیات آبگیری صورت گرفت، بخش زیرین سد که معمولاً سیسـتم‌های زیرین و دسـتگاه‌های حساس و سنسورهای کنترل است پر از نمک شد؛ این مسئله دقیقا ۱۰ روز بعد از آبگیری رخ داد؛ اتفاقی که مثل روز برای ما روشن بود و هر چه هشدار می‌دادیم کسـی گوش نمی‌کرد. بعد از آن مطالعـات نشـان داد زمین‌های مرغـوب کشـاورزی تمامـی مناطق اطـراف گتوند و عقیلی، به‌دلیل گسـترش نمک و تبخیر در حال شـوره‌زار شـدن هستند و مردم دارند تمام دارایی خود را از دست می‌دهند و هیچ استفاده‌ای از سد و آب شور آن نمی‌توان کرد. قبل از آبگیری ما بارها هشـدار دادیم توربین‌هایی که برای سد خریداری شده برای آب شیرین است و شما میلیاردها تومان هزینه کرده‌اید برای آبی که شـور خواهد شد. حالا آن توربین‌ها هم کاربردی برای آب شیرین ندارند و از کار افتاده‌اند. چندی پیش یکی از مسـئولان سـد گتوند از من دعوت کرد از سـد بازدید کنم. گفتند آن‌طور که شـما تصـور می‌کنید نمکی وجود نـدارد و در نهایت یک لایه چهارمتری نمک هسـت که آن را خارج می‌کنیـم! بـا تعجب دیدم چند لایه نازک ۵ تا ۵ متـری زده‌اند. از جوانک خواسـتم محدوده ۵۰ متـری را برای گمانه‌زنـی و حفاری انتخاب کند و تـا عمق ۵۰ متری نیز جلو بروند، بعد با دریای عظیمـی از نمک مواجه خواهند شـد. بعد از آن مهندسان آزمایشگاه مکانیک خاک برآورد کردند کـه تا ۹۳ متـر ضخامت نمک اسـت. بعد از آن دوسـتان ما در سد گتوند می‌گفتند ما می‌دانیم چه بلایی سر این منطقه آورده‌ایم اما تو را به خدا چیزی نگویید و رسانه‌ای نشود!

یادداشت

جای خالی روزنامه‌نگاری تحلیلی در حل بحران کم‌آبی



مریم سـلیمی- پژوهشـگر ارتباطات: این روزها شـاهد اعتراضاتی مرتبط با مشـکلات آبی در برخی شـهرهای کشـور هسـتیم. رسـانه‌ها و سـلبریتی‌ها نیز در این حوزه یا دچـار افراطند یا تفریط یا انفعال. در ایـن میان جای خالی آمارها، اینفوگرافیک‌ها و نیوزگرافیک‌ها به‌خوبی محسوس است؛ آثاری که به‌درستی بررسی کنند که وضعیت رودها و آب‌های ایران و حجم بارش‌ها در سال‌های اخیر به چه شکل بوده و ایـن وضعیت به‌طور خاص در اسـتان‌های درگیر کم‌آبی چگونه اسـت؟ تایم‌لاین‌هایی که روند بروز بحران را در سـال‌های مختلف به دقت تشریح کنند و نشـان دهند که داستان از کجا شروع شده و اکنون به کجا رسیده است؟ دیاگرام‌هایی که گلوگاه‌ها را مشخص کرده و تحلیل‌هایی که نگاهی راهکارمدارانه داشته باشند.

همچنین وضعیت سدهای کشور و استان‌های پرتنش به‌لحاظ منابع آبی بررسـی و ارزیابی شود که چقدر سدسـازی‌ها در این روند اثرگذار بوده‌اند و مدیریـت آنها چه کمکی خواهد کرد؟ امید اسـت رسـانه‌ها با عنایت به وظایف و رسـالت‌های خود، یاریگر در حل مشـکلات و بحران‌های موجود باشند و از کوتاهی‌های احتمالی بپرهیزند، چراکه با قصورشان میدان عمل را به رسـانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشـور وامی‌گذارند. در عین حال از فعالان رسانه‌های اجتماعی انتظار می‌رود مسئولانه‌تر به نشر و بازنشر اخبار و اطلاعـات اقـدام کنند و در زنجیره انتشـار اطلاعـات و تصاویر جعلی و گمراه‌کننده گرفتار نشـوند و هوشـمندانه‌تر عمل کنند. اکنون شفافیت و مطالبه‌گری برای حل مشکل باید در اولویت باشد؛ چه برای معترضان، چه حامیان، چه همه دغدغه‌مندان همدل با استان‌های درگیر و...

شـفاف نبودن دقیق شرایط اسـتان‌های درگیر و انتشار برخی عکس‌ها و تصاویـر همچـون نوشـیدن آب از آب‌های جمع شـده در معابر و... این ذهنیت را در افکار عمومی ایجاد کرده که مشـکل مردم صرفا آب شـرب اسـت و عده‌ای نیز به فکر جمع‌آوری پول و ارسـال آب معدنی و... به این مناطق افتاده‌اند، در حالی که مسئله دارای ابعادی وسیع‌تر است و در کنار مشکلات آبی مربوط به حوزه کشاورزی و... نگاهی زیست‌محیطانه دارد.

آنچه مسـلم است اولویت کمک به حل مشکلات آبی استان‌های پرتنش آن هم در کنار بحران کرونا، تحریم‌ها و... اسـت. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود زبان و بیان و عمل و همراهی متولیان همدلانه و همدردانه و توأم با شفاف‌سازی باشد. اینکه با گزارش‌ها و مستنداتی روزانه و گام به گام اعلام شود که برای حل مشکلات آبی چه برنامه‌ای وجود دارد و از این برنامه چه گام‌هایی طی شده و طی خواهد شد.

از فضای مجازی

آتشِ آب از تو شعله‌ور شد



محسـن رنانی- اقتصاددان: می‌دانستم که بالاخره آتـشِ آب از تـو شـعله‌ور خواهد شـد. سـال‌ها پیش نوشـتم که ابهت با آتش آب، تبخیر خواهد شد. به من خندیدند، اما می‌دانسـتم که با آتش آب، نمی‌شود بازی کرد. کبریت این آتش آنگاه زده شـد که گفتند: «آب را مجانی می‌کنیم».

می‌دانی این حرف یعنی چه؟ در کشوری که تمدنش بر بی‌آبی بنیاد شـده، مجانی کردن آب، یعنی آتش زدن به چندین هزار سـال تجربه تمدن ایرانی.

ما هم خرسـند از آب رایگان، هی ماشـین شستیم، هی هندوانه کاشتیم، هی چمـن آب دادیـم، هی چـاه زدیم و هـی آب را گِل کردیم. قرار شـد در گندم خودکفا شـویم؛ پس ذخایر چندمیلیون ساله آب را از اعماق زمین پمپاژ کردیم تا بیابان‌های کویری‌مان را سـبز کنیم. سد ساختیم و سازمان‌های آب منطقه‌ای را اسـتانی کردیم تا ملوک‌الطوایفی آب در کشور شـکل بگیرد. صدها هزار چاه غیرقانونی را قانونی کردیم و در نهایت چشم‌ها را بستیم و هزاران میلیارد پول را به دریاچه ارومیه سرازیر کردیم.

آری خوزسـتانِ نجیب! ده رئیس‌جمهوری دیگر هم که بیایند، درد تو درمان نمی‌شـود؛ پس خودت فکری به حال خود کن. تو بر لب آب نشسته‌ای، تو نفت داری، تو حاصلخیزترین جلگه ایرانی، موقعیت جغرافیایی تو اسـتثنایی است، تو حق خوشبخت بودن و «حق توسعه» داری.

تـو کـه آن همه صبوری را به ما آموختی، در جنگ و در فقر و بیکاری، اکنون نیز پایداری کن و پایداری را به ما بیاموز.

خوزسـتان داغ من! نمایندگانت کو؟ رهبرانت کو؟ بزرگان قبائلت کو؟ جوانان تحصیلکرده‌ات کو؟ کجا هستند روشنفکرانت؟ همه را فرا بخوان و از آنان بخواه تا مراقبت کنند که مطالبه‌ات به خشونت نگراید. بدون لکنت سخن بگو، اما سخنت را به زشتی آلوده مکن. فریاد بزن و پایداری کن، اما برای هیچ کس مرگ مخواه.

تـو و سـربازی که در مقابل تو ایسـتاده، هم‌سرنوشـتید؛ او نیز بـه اندازه تو مظلوم اسـت. او را در آغوش بگیر و ببوس و اگر گاز اشـک‌آور زد و بدن تو را با ضربه‌های باتون سـیاه کرد، بر لب جوی بنشـین و برای او و خودت اشک بریز، اما هیچ سـنگی پرتاب مکن و اجازه مده لاشـخورهایی کـه یکپارچگی وطن را نشـانه رفته‌اند، از جنازه جوانان نشـخوار کنند؛ همچنان که باید مراقبت کنی کـه مقامات که هم‌اکنون نوبت به نوبت در راهند، با تخصیص بسـته‌های پول و وعده‌های پوک، دوباره فریبت ندهند.

آری خوزستان مظلوم!

مراقب خویش باش، مراقب خویشاوندانت در سراسر وطن نیز باش. بگذار بقیه ایران سر کلاس تو بنشینند و پایداری را، زبان بدون لکنت را، مبارزه مدنی را و فریاد پاک و بدون مرگ و نفرت را از تو بیاموزند.

لطفا به ما نشـان بده که می‌شـود حق خود را با اعتراض بدون خشـونت، با پایداری همراه با منطق و با فریاد بدون آلودگی گرفت.

خوزسـتان بزرگ! لطفا مراقب باش، بقیه ایران چشـم به تـو دارند. اگر تو در مبارزه حق‌طلبانه، صلح‌جویانه و مدنی پیروز شـوی، الگویی برای همه ما خواهی شد.

خوزسـتان عزیز! لطفا مراقب باش، ما دیگر فرصت، روحیه و انرژی برای خطا کردن، خشـونت ورزیدن، خون ریختن و آنـگاه خونخواهی کردن نداریم. ما راه زیادی در پیش داریم و برای رسـیدن به مقصد نیازمند همبسـتگی و دوسـتی هستیم. لطفا ادامه بده، لطفا معلم همه ما باش، لطفا مراقب خودت باش.

خوزسـتان سـربه‌زیر! اکنون که فریادت بلند شـده، گرچه دیر است، اما دیگر سـاکت ننشین. اکنون که جانت به لب رسیده، پایداری کن و حق خود را بگیر، اما مراقب جان جوانانت باش، مراقب جان کشور هم باش.

ما در یک کشـتی نشسـته‌ایم، ما هم‌سرنوشـتیم! دوسـتت دارم خوزسـتان! حمایتت می‌کنم خوزستان! خوزستان من، درود!

کارتون

هنر برای خوزستان



ندا تنهایی مقدم



بهرام ارجمند



سالار عشرت خواه



جواد تکجو



یلدا هاشمی‌نژاد



طراوت نیکی



امین قزلباش



محمد عضوخوبان



طاهر شهبانی

کیوسک

این روزها موضوع تامین آب خوزسـتان در صدر خبرهای رسـانه‌ها قرار دارد. مشکلی که به دنبال مدیریت نادرست منابع آبی در سال‌های گذشته و درنظر نگرفتن آمایش سرزمین در اجرای طرح‌های عمرانی و احداث کارخانجات صنعتی در این مناطق ایجاد شـده اسـت. بسیاری از کارشناسـان محیط‌زیست نیز پیش از این نسبت به بروز این فاجعه هشدار میدادند که البته آنچه به جایی نرسید فریاد بود. بحران آب خوزستان درحالی ایجاد شده که به دنبال دستور رهبر معظم انقلاب برای حل مشکل خوزستان، روز گذشته اسحاق جهانگیری در نشست رسیدگی به مشکلات این استان که با حضور سران عشایر و نخبگان عرب و بختیاری برگزار شد بر حق انتقاد مردم تاکید کرد و از بزرگان خوزستان به‌عنوان صاحب‌نظران و یاوران بزرگ دولت خواست اجازه ندهند که دشمنان از مسائل و مطالبه‌های بحق شما سوءاستفاده کنند.



















